

مختصری درباره

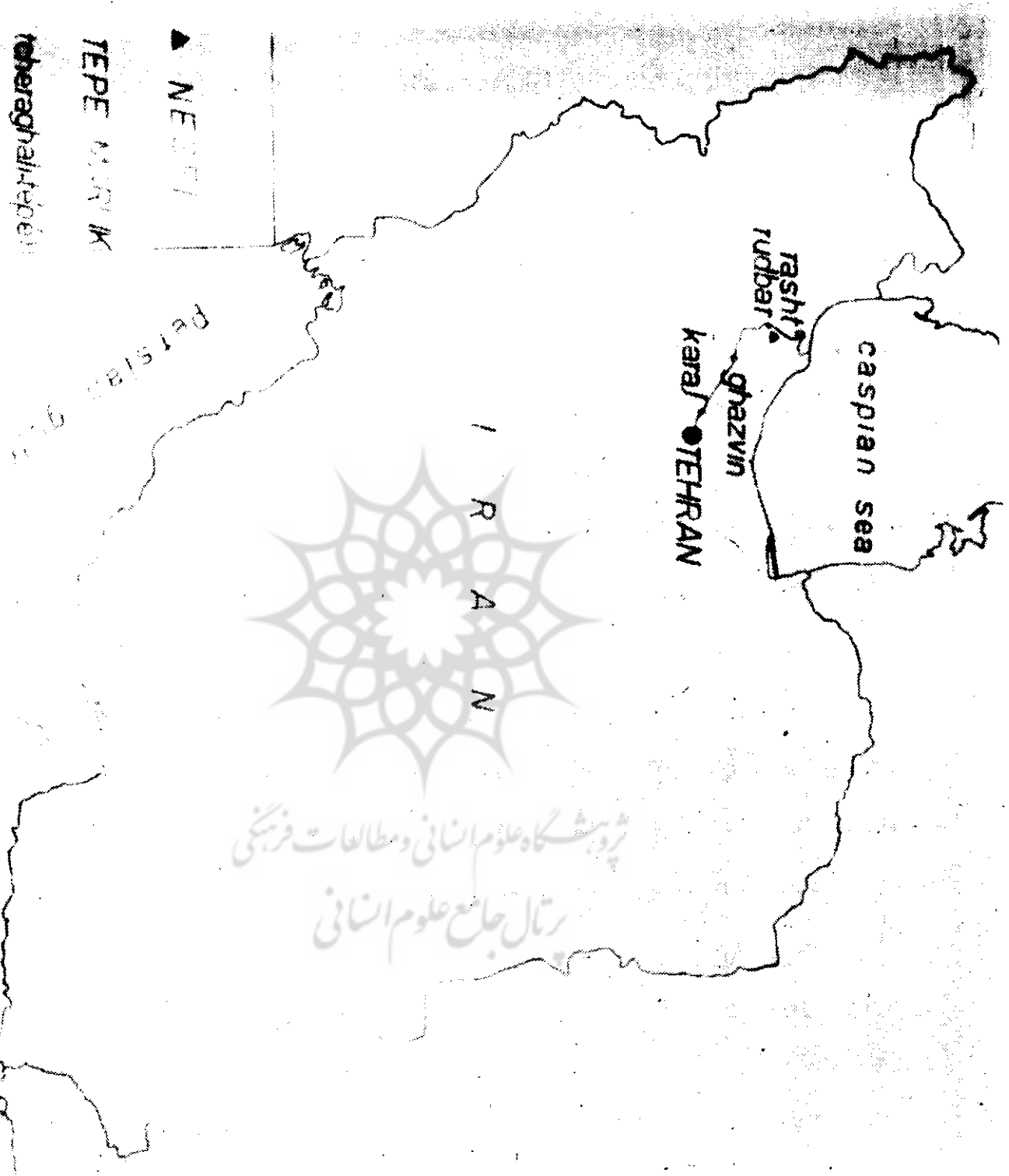
حفریات مارلیک

بقلم آقای دکتر عزت الله نگهبان

استاد دانشکده ادبیات

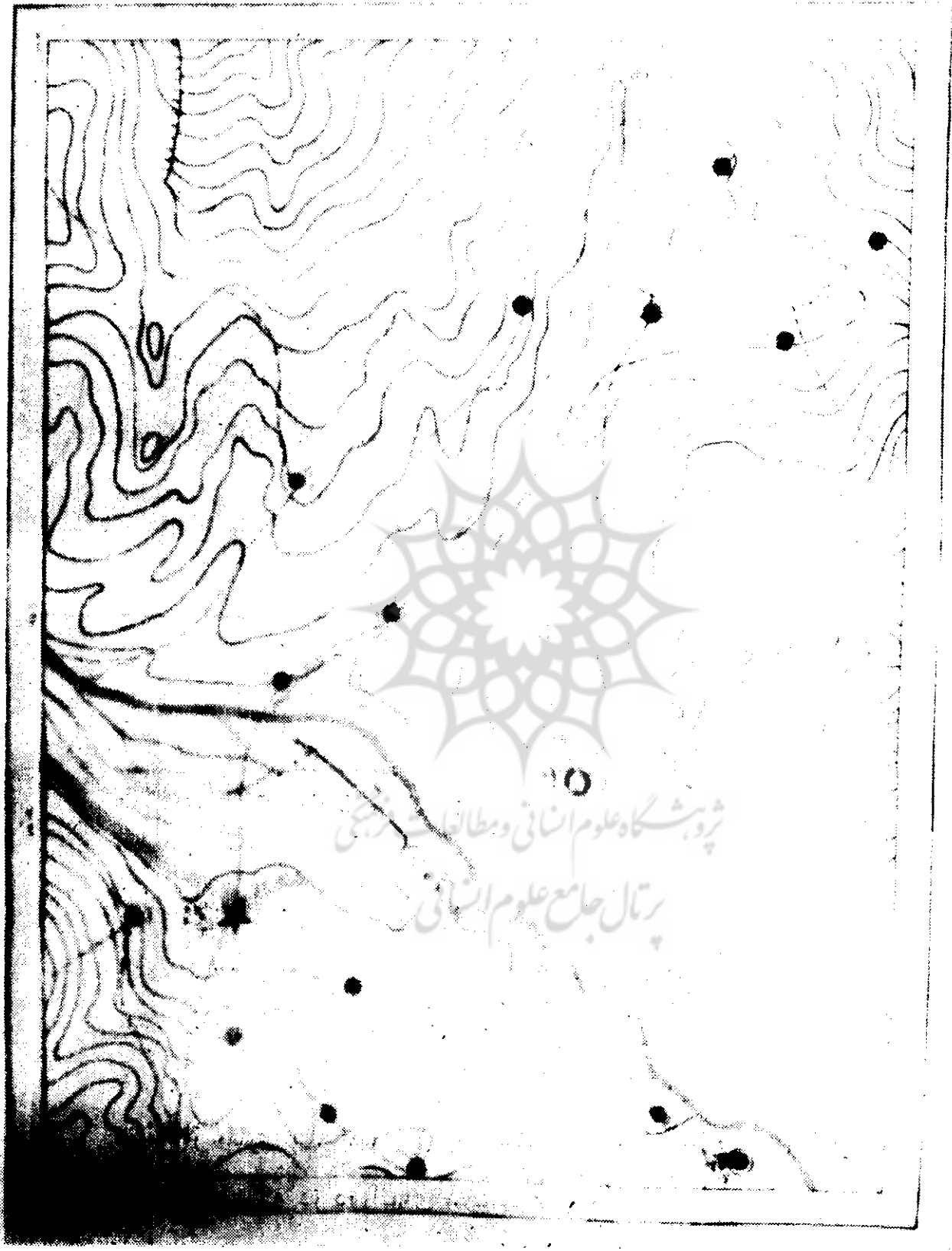
در اواسط پانزده سال ۱۳۴۱ هجری، در رودبار (شکل ۱) برای تهیه نقشه باستانشناسی کشور در دست انجام بود تپه‌ای کشف گردید که در آن آثار و بقایای قبرستان سلاطین و حکمرانان دوره مربوط به اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول قبل از میلاد مسیح نهفته شده بود. این تپه که در محل بنام «چراغعلی تپه» معروف است (شکل ۲) یکی از تپه‌های باستانی دره گوهررود است که بنام مارلیک یعنی زیتونستانی نام اطراف آنرا فرا گرفته است نیز خوانده میشود (شکل ۳). این تپه یکی از پنج تپه بزرگ باستانی این دره یعنی تپه‌های مارلیک (شکل ۴)، زینب بیجار، دوربیجار، پیمانه قلعه و جازم کول میباشد. آثار باستانی دره گوهررود منحصر به این پنج تپه نیست بلکه در بیشتر قسمت‌های این دره آثار و بقایای قبرستانهای ماقبل تاریخی و تاریخی مشاهده میگردد. کشف تپه مارلیک و دیگر آثار باستانی این دره

۱ - گوهررود یکی از رودخانه‌های کوتاهی است که از ارتفاعات دامنه شمالی کوهستان البرز سرچشمه گرفته است. این رودخانه از سرچشمه تا محل اتصال آن به سفیدرود در حدود پانزده کیلومتر طول دارد. در اواخر زمستان و اوایل بهار بعات بارندگی شدید در کوهستان طغیانی و سیلابی است و آب آن قرمز رنگ و با گل ولای مخلوط است. در فصل تابستان و پائیز دارای آبی زلال و صاف میباشد و همین علت بنام گوهررود نامیده میشود. در طول رودخانه از سرچشمه به بعد چشمه‌سارهای فراوان دارد و شعبه‌های کوچک زیادی بدان اضافه میگردد. بیشتر آب رودخانه گوهررود بخصوص در فصل برنجکاری بمصرف آبیاری برنجزارهای این دره رسیده و در این هنگام آب رودخانه بوسیله سدهای کوچک در کانالهائی منحرف و بمزارع برنج هدایت میگردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

شکل ۱



پرتال جامع علوم انسانی

بقدری حائز اهمیت بود که هیأت بلافاصله کار بررسی منطقه رحمت آباد را متوقف ساخت و پس از کسب اجازه از وزارت فرهنگ و انجام تشریفات قانونی حفاری این منطقه به سرپرستی نگارنده و همکاری آقایان سیف‌الله ناسیبخش فرد، محمود کردوانی و ایرج سانی فوراً شروع گردید (شکل ۶۰). بعد از مدت دو سه ماه حفاری بعات حجم کار زیاد بتدریج آقایان مرتضی رستمی، رضا مستوفی، جهانگیر یاسی، محمود آرام و رضا معمار زاهدانی برای همکاری با هیئت به عده ای افزوده شدند. ضمناً دانشجویان مؤسسه باستانشناسی دانشکده ادبیات نیز در طول مدت حفاری برای فراگرفتن عملیات صحرائی باستانشناسی به ترتیب و به نوبت در حفاری شرکت نموده و همکاری قابل ملاحظه‌ای انجام دادند. در اینجا لازم است تذکر داده شود که مؤسسه باستانشناسی دانشگاه کایه کادر فنی و وسائل علمی حفاری خود را در اختیار هیئت حفاری قرارداد و از این راه کمک قابل توجهی عملاً به پیشرفت کار حفاری نمود و از این نظر سهم بزرگی را دارا میباشد.

در این حفاری که حدود یکسال بطول انجامید فقط قسمت پیشتر تپه «مارلیک» و جزئی از تپه «پیاه قلعه» حفاری شد و بقیه آثار باستانی در این منطقه هنوز احتیاج بحفاری داشت که متأسفانه بهایی عملیات حفاری متوقف و هیئت بناچار به تهران مراجعت نمود.

حفاری مارلیک نشان داد که این تپه فقط شامل یک طبقه باستانی یعنی آرامگاه سلاطین و فرماندهان بوده و در این آرامگاهها آثار گرانبهای تاریخی نهفته شده بوده است. این آثار نه فقط از نظر تاریخی اهمیت بسزائی داشتند بلکه از نظر هنر و زیبایی هم معرف یکی از مکتبهای ارزنده هنری سه هزار سال پیش می باشد. قسمت جزئی از حفاری پیاه قلعه بزودی آشکار نمود که این تپه شامل بقایای آثار معماری قلعه هائیس است که در دورانهای مختلف بر روی بقایای قبلی ساخته شده و جمعاً عده طبقه باستانی ساختمانی و غیر ساختمانی در «ترانشه» ای که در قسمت غربی تپه حفر کردند ظاهر گردید. این طبقات باستانی جمعاً معرف در حدود سه هزار سال تاریخ



کتابخانه
پرتال خان علوم و معارف
پشتان و مطالع
پرتال خان علوم و معارف

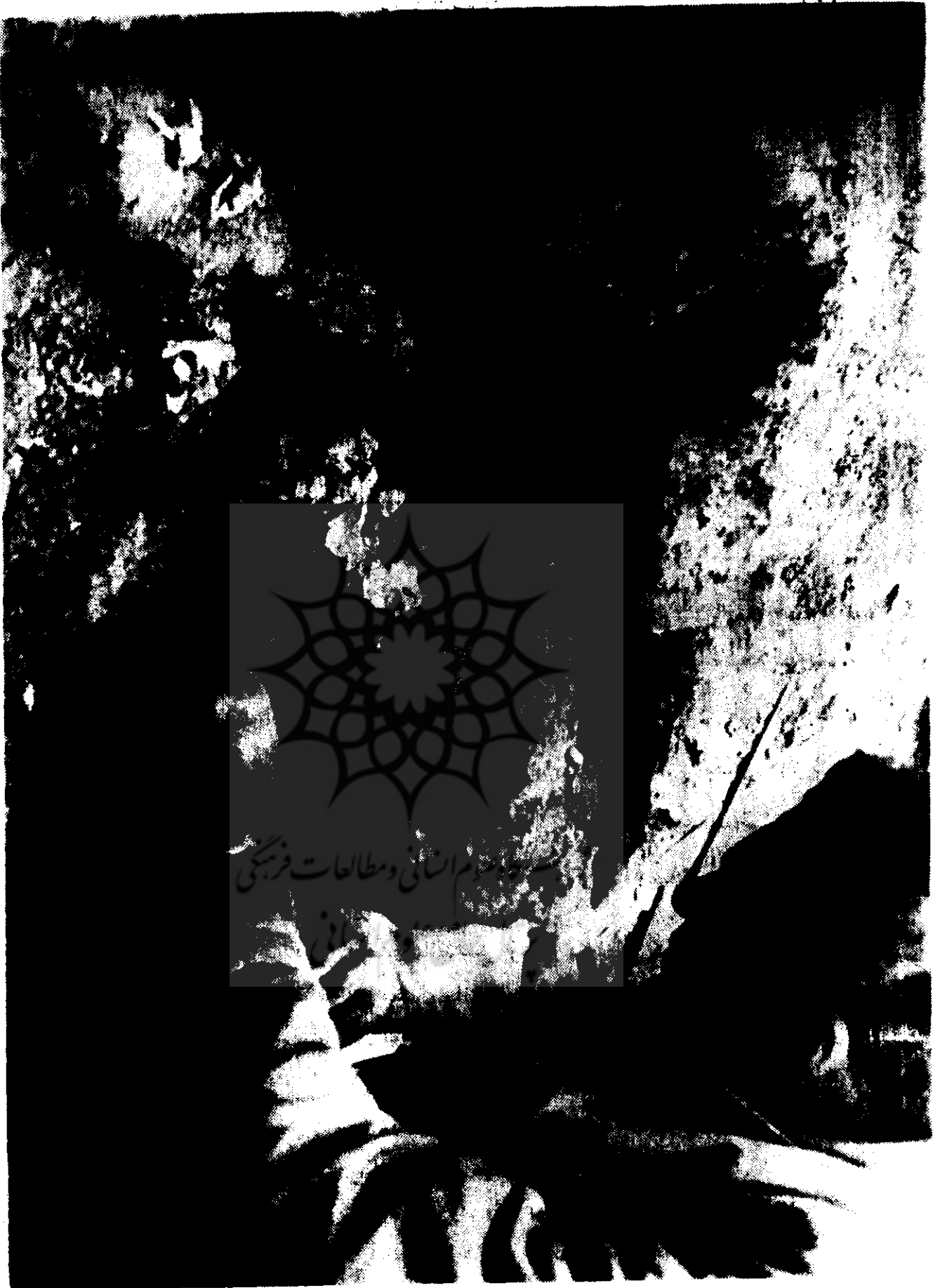
کتابخانه



زندگانی و هنر منطقه رحمت آباد و استان گیلان بود و ادامه حفاری این تپه بخوبی قادر بود تاریخ سه هزارساله این منطقه را - یعنی از اوائل هزاره دوم قبل از میلاد تا اواخر هزاره اول میلادی - روشن نماید . ولی متأسفانه بعللی حفاری متوقف شد و کار به پایان نرسید و آثار و بقایائی که از نظر تاریخ ایران نهایت اهمیت را داشت نگهداری نشد و پس از بازگشت هیئت حفاری به تهران این آثار باقیمانده در دل تپه ها و دره گوهررود در معرض دستبرد و استفاده حفاران غیر قانونی و معامله گران آثار خنثیته قرار گرفت .

دره گوهررود که چنین آثار باستانی گرانبهائی را در دل خود جای داده و قرنها آنرا از چشم زخم حوادث محفوظ نگاهداشته بود در منطقه رحمت آباد گیلان در چهارده کیلومتری شمالشرق شهرستان رودبار در قسمت جنوبی رودخانه سفید رود نزدیک شاهراه تهران به رشت قرار گرفته است (شکل ۷) . رودخانه گوهررود از دامنه های شمالی رشته جبال البرز در منطقه ای که کاملاً از جنگل پوشیده شده سرچشمه گرفته و پس از گذشت از دره پریچ و خم گوهررود به سفیدرود میریزد . این دره بعلت سلایمت آب و هوا و مساعد بودن آب و خاک یکی از مناطق غنی کشاورزی ایران را تشکیل میدهد . بنظر میرسد که بعلت همین اعتدال آب و هوا و حاصلخیزی زمین و وفور جنگلها، این منطقه از دورانهای قدیم مورد نظر و علاقه سلاطین و فرماندهانی

۱ - بعلت ارتفاع کم - یعنی در حدود پانصد متر از سطح دریا - این دره دارای آب و هوایی مناسب است و غلات و نباتات مناطق معتدل مانند زیتون، برنج، گندم و جو و درختان وحشی و میوه های جنگلی در اینجا بعمل می آید . مزارع برنج و گندم و باغهای زیتون بیشتر زمین های این دره را فرا گرفته و در ارتفاعات این دره درختهای زربین (یک نوع سرو مخصوص این منطقه) و انجیر و انار وحشی بوفور دیده میشود . درختان میوه معتدل در باغهای این دره کاشته شده و بعلت رطوبت و شبنم کافی سطح دره از گل و گیاههای وحشی پوشیده شده است . در دو طرف رودخانه نیز راهائی قرار گرفته و برزیبائی دره افزوده و قلله پر برف و رفیع دلفک (بر روی نقشه دارفک نوشته شده و ۲۷۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد) که در جهت شرقی دره قرار گرفته رویهمرفته یکی از مناظر و چشم اندازهای بدیع و زیبای طبیعت را در این نقطه از کشور مابوجود آورده است .



تصویر ۵



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز باطن‌شناسی و علوم انسانی

که در شمال ایران حکومت مینموده‌اند، بوده است. کشف آرامگاه سلاطین مارلیک ورق پرارزش و فصل تازه و پرافتخاری به تاریخ و هنر ایران اضافه نموده و ثابت کرد که در این منطقه یکی از مکتبهای ارزنده و پرافتخار هنر بشر در سه هزار سال پیش وجود داشته و بیشتر کارگاههای هنری خاور نزدیک را چه در آن دوران و چه بعد از آن تحت نفوذ سبک کار و روش و مهارت خود قرار داده و شاهکارهای هنری خارق العاده‌ای بوجود آورده که بعضی از این آثار هنری با جسم بزرگان این اقوام در مهمترین قبرستان این دوره یعنی تپه مارلیک بخاک سپرده شده و پس از قرن‌های متمادی و گذشت در حدود سه هزار سال با فعالیت این هیأت حفاری کشف و کوشش خستگی ناپذیر کلیه افراد هیئت موجب زنده نمودن خاطره و تاریخ یکی از تمدنهای پرارزش ایران باستان که حتی خاطره آن از خاطرها محو شده بود، گردید. در چند سطر زیر مختصری راجع به طرز حفاری و عملیات هیئت و آثار مکتشوفه بعضی خوانندگان محترم خواهد رسید:

در «ترانشه» آزمایشی که منتهی بکشف این تپه گردید در مدت دوروز آثاری مانند دگمه‌های تزئینی طلا، مهرهای استوانه‌ای و مجسمه کوچک برنزی حیوانات آشکار گردید. وجود این اشیاء بخوبی اهمیت این تپه را از نظر کیفیت آثار باستانی نهفته در آن، چه از نظر تاریخ و چه از نظر هنر، نشان میداد و حفاری در تپه پس از کشف این آثار ضروری بنظر میرسید.

در اینجا حاجت به تذکار نیست که متأسفانه در چند سال گذشته بیشتر تپه‌های باستانی کشور در معرض دستبرد و حمله حفاران غیرقانونی قرار گرفته و آثار و اشیاء نفیس باستانی بدست آمده از این حفاریات غیرقانونی و هم‌چنین کتیبه‌ها و کاشیها و تزئینات ساختمانی و آثار نفیس دیگری که در ابنیه تاریخی کشور وجود داشته‌اند در اثر عدم توجه بوسیله این یغماگران، هتفه و این سرمایه‌های گرانبهای ملی که هر کدام مدرک ارزنده‌ای از نظر افتخار و این سرز و بوم محسوب میگردد، بطریق قاچاق از مملکت خارج وزین

ه‌های خارجی و مجموعه‌های شخصی



پرویشگاه عام انسانی خدمات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پیشوا کاؤنسل اور جامعہ اسلامیہ
پیشوا اور جامعہ اسلامیہ
پیشوا اور جامعہ اسلامیہ

مسائلک دیگر شده‌اند. بااطلاع از این وضعیت، هیئت ما تصمیم گرفت تا شروع حفاری باوجود خسرات جانی که وجود داشت از تپه محافظت نماید و پس از انجام تشریفات قانونی که باحسن نظر و همکاری صمیمانه مقامات وزارت فرهنگ در آنوقت پیرویی انجام گرفت، شروع بحفاری نمود. از همان بدو امر هیأت با مخالفت و نارسامندیهای اشخاصی که سالیان دراز از این سمر بطرق ناسشروع استفاده مینمودند روبرو گردید تا آنجا که از حملات مسایحانه علنی به هیأت نیز خودداری نمودند. ولی هیئت حفاری با درک اهمیت این وظیفه ملی و ایمان کامل و هم‌چنین با برخورداری از پشتیبانی دامن مقامات وزارت فرهنگ با سرسختی تمام بکار خود ادامه داده تا بالاخره توانست برای اولین بار و بعنوان نمونه یکی از بزرگترین گنجینه‌هایی را که در دوسه قرن اخیر در خاورمیانه پیدا شده و از نظر اهمیت و نفاست با گنجینه‌های آرابگاه «توتانخامون» در مصر و قبرستان سلاطین اور در بین‌النهرین برابری مینماید، کشف و بطریق علمی حفاری نماید و بموزه ایران باستان انتقال دهد. در اینجا لازم به تذکراتند بیشتر اشیاء نفیس موزه ایران باستان در سالهای گذشته از دست دلالت و تجار غیرقانونی عتیقات خریداری شده و مبالغ هنگفتی برای کسب و جمع‌آوری آنها به دلالت غیرقانونی عتیقات پرداخت شده است. این اولین باری بود که یک هیأت ایرانی باصرف هزینه بسیار ناچیزی میلیونها تومان ثروت و گنجینه کاملی را کشف کرد و نتایج چنین نیکوچه از نظر علمی و چه از نظر اقتصادی از کار خود ثروت و نافع آثاری و جانبازی در مقابل خطرات جانی نگذاشت آثار ملی ایران در معرض دستبرد قرار گرفته و از کشور خارج گردد. کشف این آثار در تپه مارلیک بخوبی ثابت مینمود که قبلاً نیز تپه‌هایی از این قبیل در کشور وجود داشته است.

برای شروع بحفاری و هم‌چنین حفاظت آثار باستانی، هیئت، چادرهای خود را

Dr. Malik (Pharmacology)



شہنشاہ شاہ علموں انسانی تعلیمات فرہنگی
بیت مال جامعہ علوم انسانی



تصویر ۱۰

بر روی پتومستقر ساخت و کارگران سورد نیاز نیز از زارعین دهکده نصفی^۱ تأمین گردید (شکل ۸). ابتدا برای روشن نمودن کیفیت آثار باستانی مدفون در «چراغعلی تپه»^۲ دوترانشه آزمایشی در دامنه های شمالی و شرقی تپه حفر گردید. عملیات حفاری در این دوترانشه بزودی آشکار نمود که در این تپه ساختمان مرتب و منظمی وجود نداشته و دیوارهایی که در فاصله تخته سنگهای بزرگ طبیعی تپه بطور ناسرتب ساخته شده وجود دارد و عموماً طرف داخل دیوارها منظم چیده شده و پشت دیوارها نامنظم به خاک طبیعی تپه تکیه داده شده است. در درون ساختمان این دیوارها و تخته سنگهای طبیعی اشیائی وجود داشت که ما را تا اندازه ای از کیفیت آثار باستانی این محل آگاه کرد و متوجه شدیم تپه مارلیک محل آرامگاه اقوامی است که هزاران سال

۱ - دهکده نصفی در طرف مغرب رودخانه گوهررود قرار گرفته است. این دهکده بزرگترین قریه این دره بوده و در حدود دوست خانوار جمعیت دارد. اراضی دهکده متعلق به خرده سالکین است و اغلب ساکنین آن دارای خانه و مزرعه میباشند. بهمین علت و در اثر علاقه و فعالیت ساکنین این قریه و شرایط مساعد طبیعی از نظر آب و زمین و جنگل روینمرفته سطح زندگی زارعین این منطقه در مقام مقایسه با سایر نواحی ایران بهتر میباشد. بعلت و فور جنگل در این دره بیشتر منازل مسکونی از چوب ساخته شده و فقط قسمت بنیان بنا با سنگ و گل پی ریزی شده است. خانه ها عموماً دو طبقه است که طبقه تحتانی اختصاصی به محل نگاهداری چهارپایان دارد و طبقه فوقانی جهت سکونت ساکنین منزل میباشد. در فاصله بین طبقه دوم و سقف که عموماً از چوب پوشیده شده فضائی قرار دارد که بعنوان انبار مورد استفاده قرار میگردد بیشتر احتیاجات مردم این قریه از رودبار و رشت تهیه و از سفید رود با قاطر به دهکده حمل میگردد. نصفی دارای چند دبستان میباشد. این دهکده در محل تقریباً ۳۶ درجه و پنجاه دقیقه عرض شمالی و ۹۴ درجه و ۳۱ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است.

۲ - تپه مارلیک یا چراغعلی تپه تا محل جوی آبی که برای مشروب ساختن باغهای زیتون تپه رادور میزند در حدود ۱۳۵ متر طول و ۸۰ متر عرض دارد. این تپه دارای دو قلعه سنگی طبیعی است که یکی در جنوب و دیگری در جنوب غربی تپه قرار گرفته است. ارتفاع مرتفع ترین قلعه تا سطح جوی آب ۱۱ متر و ارتفاع قلعه پست تر تا نهر آب ۸ متر است. برای انجام حفاری تپه به قسمتهای شطرنجی ۵×۵ متر تقسیم و خاک برداری مطابق نقشه و اصول فنی در این قسمتهای شطرنجی شروع گردید (شکل ۹).



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بیشتر حکومت آنها از زمین رفته است. از شاهکارهای هنری و آثار نفیسی که در این آرامگاهها دفن شده بود آشکار گردید که این تپه به آرامگاههای سلاطین و شاهزادگان پفرماندهان تعلق داشته است.

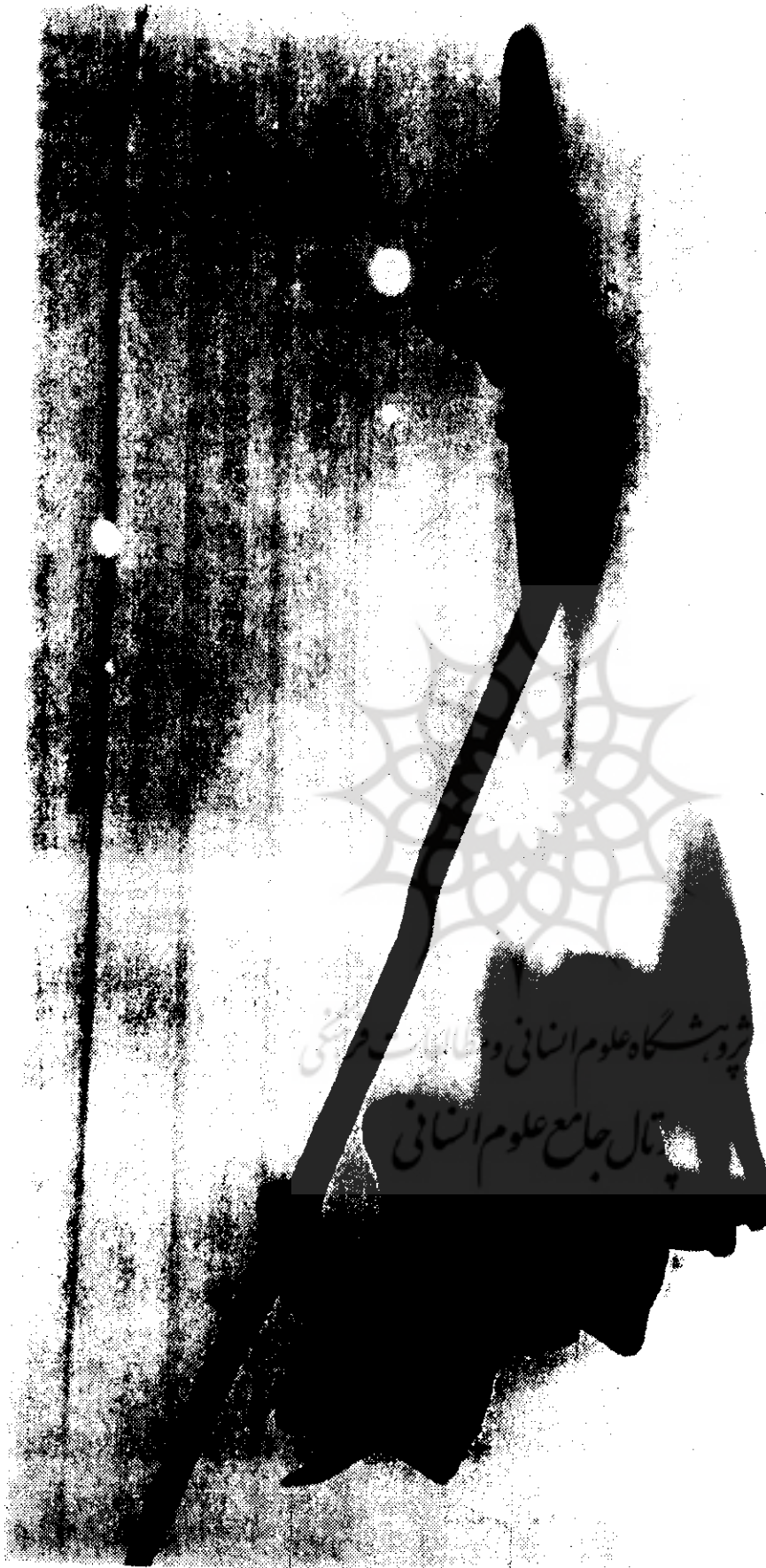
پس از حفر ترانشه‌های آزمایشی برای روشن نمودن طبقات مختلف باستانی تپه در کف ترانشه آزمایشی شمالی، چاهی بابعاد یک متر در یک متر حفر گردید. از همان ابتدای عمل حفاری در این چاه به تخته‌سنگهای طبیعی تپه برخورد نموده و مسلم گردید که در این تپه فقط یک لایه باستانی که آثار یک تمدن را دربردارد وجود داشته و در حفاری تپه قبور دو طبقه که معرف دورانهای مختلف باشد کشف نگردید. این وضعیت ثابت نمود که این لایه باستانی بنا بر پستی و بلندی سطح تپه دارای قطری مابین یک متر و $\frac{2}{7}$ متر است. سپس برای انجام حفاری علمی از کتیبه تپه نقشه برداری و حفاری سطح تپه مطابق نقشه و تقسیم‌بندی تپه شروع گردید. آرامگاههای خاک برداری شده در این تپه را میتوان بچهار نوع تقسیم نمود که هر یک از نظر نوع ساختمان و شکل اختلافاتی بانوع دیگر دارد. یکی از این انواع آرامگاههایی است که بشکل منظم هندسی ساخته نشده و عموماً در حدود ۱ متر وسعت دارند. این نوع آرامگاهها عموماً با خرده سنگ و ملاط گل ساخته شده و قسمتی از دیوارهای آن از تخته سنگهای بزرگ طبیعی تپه تشکیل شده است در آرامگاه انواع واقسام و سائیل زندگانی و اسلحه و نوائس همراه جسد دفن گردیده بود. وجود این اشیاء در آرامگاه نشان میدهد که این اقوام دارای عقاید زیادی راجع به دنیای دیگر بوده و برای تأمین زندگانی اخروی احتیاجات مرده این قبیل اشیاء را در آرامگاه قرار داده‌اند. در بعضی از این آرامگاهها سلاحهای مختلف و متنوع بوفور قرار داده شده بود. برای نمونه یکی از این آرامگاهها که در حدود 4×4 متر وسعت داشت و قسمتی از آرامگاه با تخته سنگهای معمولی ساخته شده و قسمتهای دیگر از لایه سنگهای زرد رنگ ساخته شده بود شرح داده میشود. جسد صاحب آرامگاه بوضع کاملاً تازه‌ای دفن شده بود. این نوع دفن اموات قبلاً سابقه نداشته



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني



و می‌رساند که این اقوام از نظر مراسم و عادات کاملاً مشخص بوده‌اند. در یک طرف آرامگاه تخته‌سنگی مستطیل شکل بطول $۲/۶$ متر و عرض $۰/۷$ متر و قطر $۰/۶$ متر برنگ زرد بطرز افقی در قسمت شمالی آرامگاه قرار داده شده بود. ابتدا چند عدد سرنیزه و چند عدد خنجر بفواصل معین از دو طرف روی سنگ قرار داده شده بود. سپس در حد فاصل سرنیزه‌ها و خنجرها یک سرنیزه بلند باشماره‌های تزئینی قرار گرفته بود. جسد صاحب آرامگاه بر روی خنجرها و سرنیزه‌ها روی تخته‌سنگ به پهلو چپ خوابانیده شده بود. این رسم و عادت دلیل بر آنست که این اقوام اهمیت زیادی برای دلاوری و جنگ‌آوری قائل بوده و سرداران بزرگ و جنگ‌آوران ناسی خود را که دارای افتخارات سلحشوری بوده‌اند بر روی خنجر و شمشیر و سرنیزه دفن نموده‌اند تا افتخارات رزمی آنها برای همیشه باقی بماند (شکل ۱)، در طرف دیگر آرامگاه دو عدد دیگ بزرگ سفالی که قطر دهانه هر یک به نیم متر می‌رسید همراه با سلاخه‌های بزرگ بطول تقریباً یک متر، و سیخ کباب دوشاخه بزرگ بطول $۰/۸$ متر قرار گرفته بود. خمره‌های سفالی که در آنها آثار استخوان حیوانات کوچک و پرندگان وجود داشت نشان می‌دهد که این اقوام به دنیای پس از مرگ عقیده داشته و برای توشه دنیای دیگر حتی غذا و احتیاجات دیگر هر فرد را با خود او دفن می‌نموده‌اند. در قسمت جنوبی این آرامگاه، آرامگاه نامنظم دیگری وصل به آرامگاه نخستین وجود داشت که در آن یک ردیف کامل دندانهای اسب با چند حلقه سفالی و دهانه اسب نشن گردید. این موضوع نیز عقیده این اقوام را به دنیای دیگر و اهمیت آن را برای اسب، شریک رزمی خود، قائل بوده‌اند تأیید می‌نماید و شاید در هنگام مرگ هر سردار، مرکب مخصوص او را برای خدمت با او در جهان دیگر قربانی و دفن می‌نموده‌اند. طرز دفن بدین وضع که شرح آن در بالا گذشت بسیار نادر بوده و تاکنون در حفاریات باستانشناسی کمتر سابقه داشته است. آثار مدفون و طرز ب خاک سپردن و وضع آرامگاه همگی حاکی است که این اقوام دارای تمدن مشخص و متمایزی بوده و وحدت تمدنی کاملی داشته‌اند که با اقوام دیگر اوائل هزاره اول قبل از میلاد از





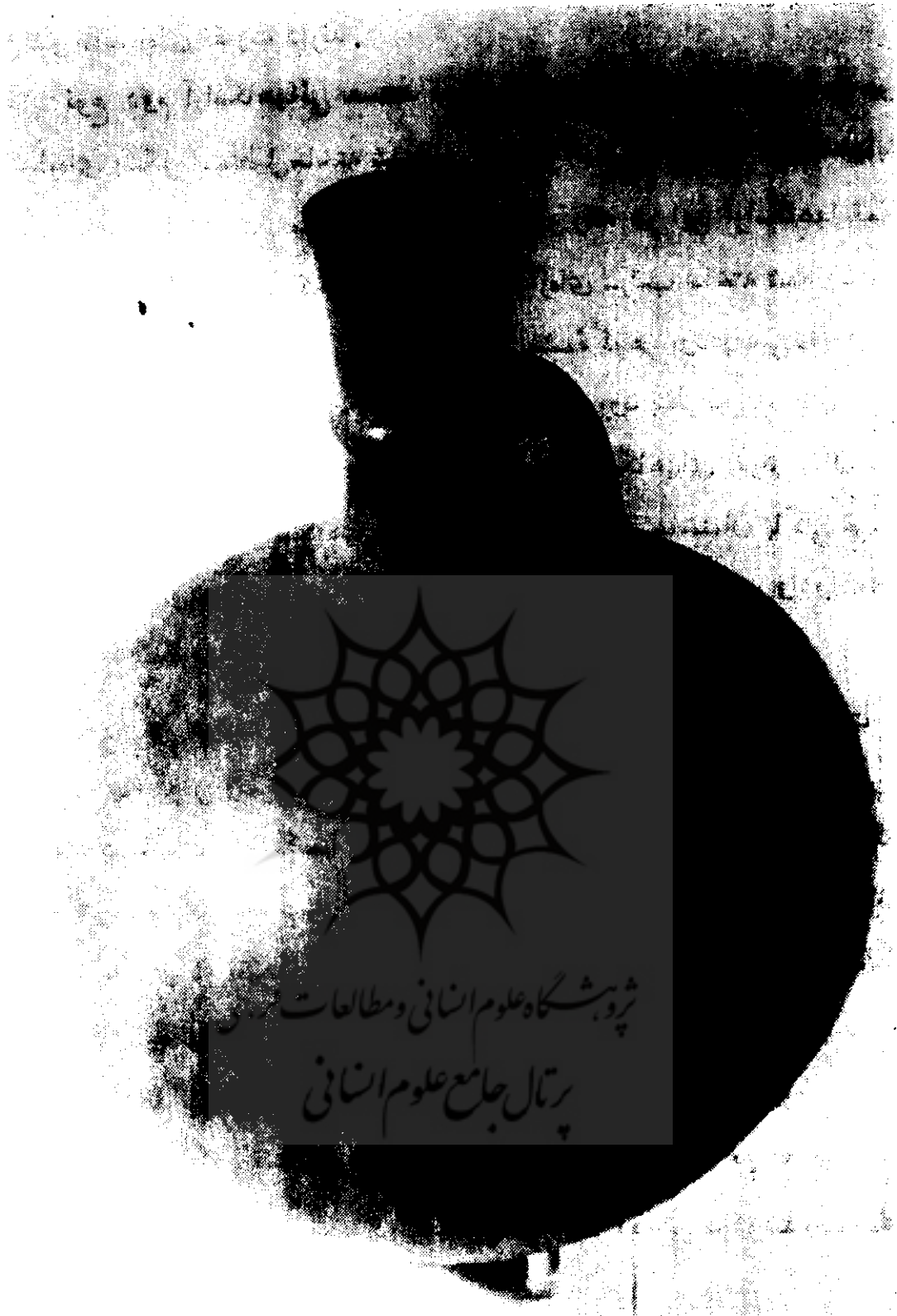
پروفیسر کاہنشاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این نظر تا اندازه‌ای تفاوت دارند.

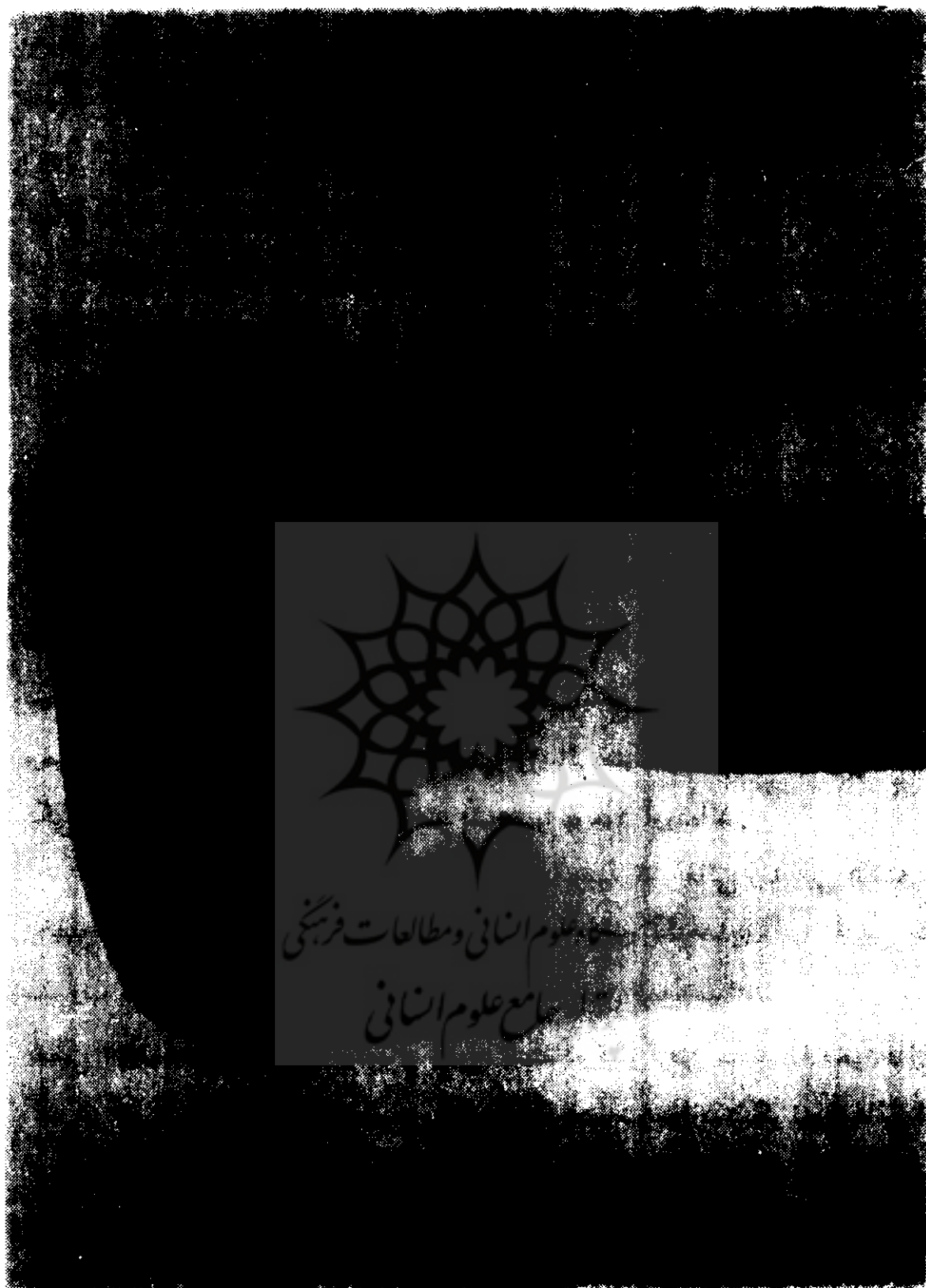
نوع دوم آرامگاههایی هستند که کوچکتر از آرامگاههای نوع اول بوده و تا اندازه‌ای بشکل مستطیل ساخته شده‌اند. یکی از اضلاع این نوع آرامگاهها بشکل منحنی ساخته شده است. مصالح ساختمانی بکار رفته در این آرامگاهها تماماً از تخته‌سنگهای نازکی است که با سلاط گل تا اندازه‌ای مرتب ساخته شده است. این تخته‌سنگها برنگ قهوه‌ای یا زرد بوده و از سرچشمه گوهر رود بهمین نحو از معدن استخراج گردیده است (شکل ۱۱). ساکنین دره گوهر رود بنظر میرسد برای این نوع سنگ اهمیت مذهبی قائل بوده و برای ساختمان آرامگاههای خود از آن استفاده نموده‌اند. در این نوع آرامگاهها سطح دیوارها پس از ساختمان با گلی قرمز رنگ اندود شده است. وسایل تزئینی زیاد و مجسمه‌های سفالی و برنزی و ادوات مختلفی از این نوع آرامگاهها بدست آمد (شکل ۱۲).

نوع سوم عبارت از آرامگاههایی است که در حدود ۳×۳ متر وسعت داشته و بیشکل چهارگوش و تقریباً هندسی ساخته شده‌اند. ساختمان این آرامگاهها مرتب‌تر بوده و از قطعات سنگ شکسته بزرگ و سلاط گل ساخته شده‌اند. این آرامگاهها معمولاً در حدود دو متر عمق داشته و بجز قسمتهایی که بنظر میرسد در اثر زلزله و با تکان شدیدی در زمین از محل خود جابجا شده، تا اندازه‌ای سالم‌تر از آرامگاههای نوع دیگر باقیمانده است. علی‌رغم طرز ساختمان مرتب این آرامگاهها در داخل آنها اشیاء و آثار زیادی وجود نداشت. شاید این نوع آرامگاهها مربوط به سرداران پیشقدمان اولیه این تمدن بوده و هنوز تمرکز ثروت و تکامل هنر که بعلت سکونت طولانی‌تر این اقوام در این ناحیه در آرامگاههای دیگر نمایش داده شده بمنصب ظهور نرسیده بوده است.

چهارمین نوع که سه عدد از آنها تا کنون خاک برداری شده است آرامگاههایی هستند که در حدود ۲×۱ متر وسعت داشته و از قلوه سنگهای بزرگ و سلاط گل ساخته شده‌اند. اشیاء درون این آرامگاهها منحصر به یک ردیف دندان اسب، دهانه



پروفیسر شاکر علی خان
پتال جامع علوم انسانی
پتال جامع علوم انسانی و مطالعات



مفرغی و چند حلقه مفرغی بود. این نوع آرامگاهها اهمیتی را که این اقوام برای این حیوان و پرورش آن و سوارکاری قائل بوده‌اند بخوبی آشکار میسازد. بنظر می‌رسد وجود این حیوان را برای زندگانی جهان دیگر لازم دانسته و معتقد بوده‌اند در آن جهان نیز به صاحب خود خدمت خواهد نمود.

اشیاء مکشوفه در این لایه باستانی که شرح مختصر انواع آرامگاههای آن در بالا گذشت بنظر می‌رسد متعلق بتمدنی است که علاوه برآنکه بومی و ساحلی در این ناحیه بوده و مشخصات یک تمدن واحد را در بردارد از تمدن‌های هم‌جوار خود نیز بی‌خبر نبوده و آثارش باتمدنهای کشورهای همسایه درخاورسیانه در بعضی سواره قابل مقایسه است. بهرحال اشکال ظروف سفالی، نقوش برجسته و کنده تزئینی بر روی ظروف طلا و نقره، تزئینات ظروف برنزی و سفالی همگی معرف یک تمدن بومی واصل و ایرانی این ناحیه می‌باشد. هنر این تمدن در این ناحیه سیر تکامل خود را پیموده و هنرمندان از طبیعت مجاور خود و اشکال بدیع گیاهان، نباتات، پرنده‌گان و حیوانات الهام گرفته‌اند و در ظرافت و تناسب و زیبایی هنر آنها بسرحد کمال رسیده و یکی از دورانهای درخشان تاریخ هنر بشری را بوجود آورده‌اند.

بعضی از اشیاء بدست آمده در آرامگاهها جنبه تشریفاتی و مذهبی داشته و بخصوص مجسمه‌های سفالی (شکل ۱۴) که شاید برای نگاهداری آب مقدس یا مشروب دیگری مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند از این قبیل می‌باشند. ولی بر روی بعضی اشیاء دیگر علامت استعمال و مورد استفاده قرار گرفتن مانند کلاه‌خودهایی که اثر گرز بر روی آنها نمایان است مشاهده می‌گردد. در موارد دیگر نمونه‌هایی از ادوات و آلات مورد استفاده زندگانی روزانه مانند نمونه مفرغی کمان و نمونه گاو آهن مشاهده می‌گردد و در ذیل مختصری راجع به انواع آثار مختلفی که در این آرامگاهها بدست آمده شرح داده خواهد شد.

ظروف و مجسمه‌های سفالی بدست آمده در حفاری مارلیک عموماً به رنگهای قرمز و یا خاکستری و یا سیاه بوده و با اشکال متنوع و مختلفی ساخته شده‌اند. هر دو



تصویر ۱۹



تصویر ۲۰



تصویر ۲۱



تصویر ۲۲

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
موسسه عالی

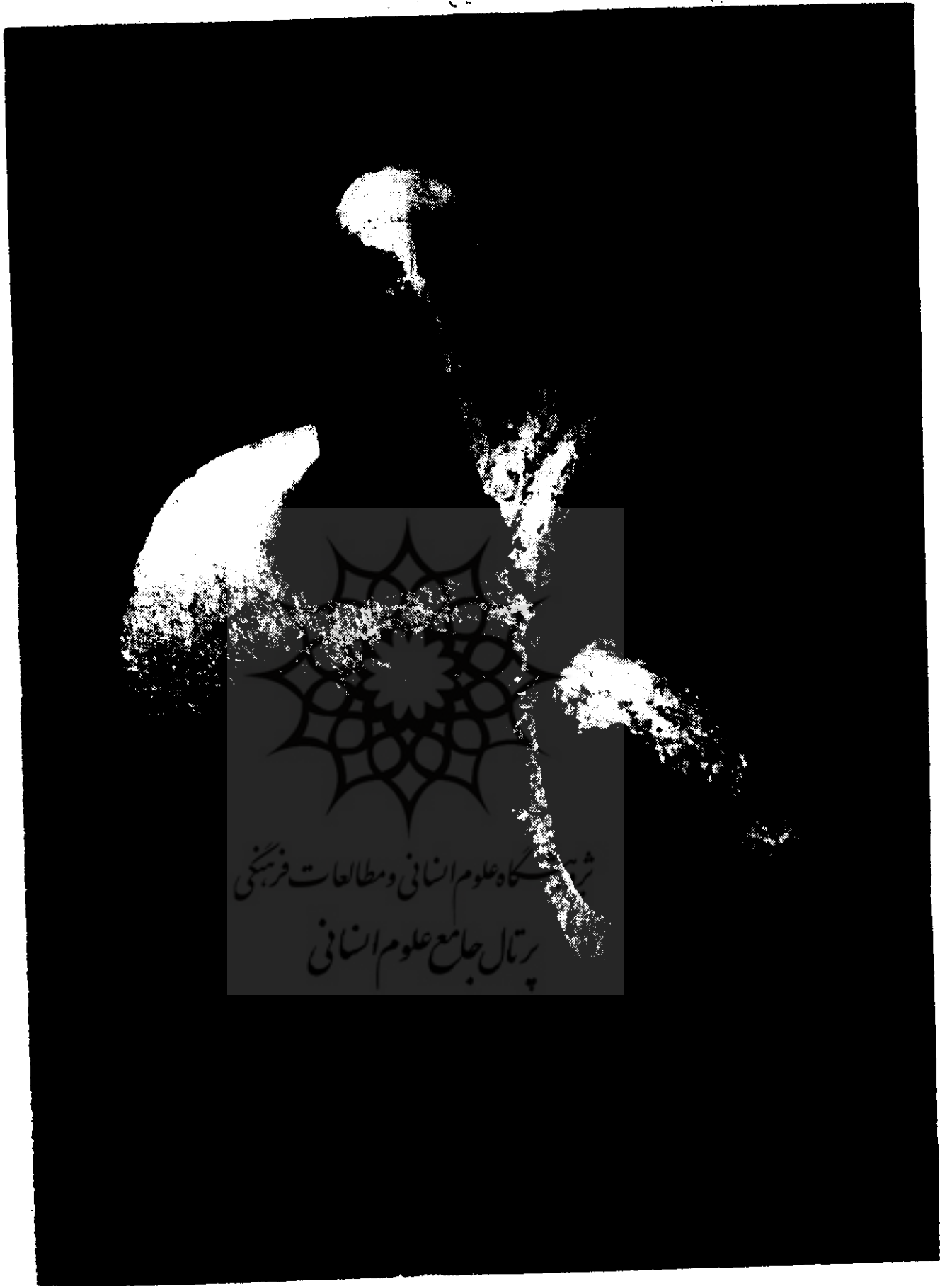
نوع سفال خاکستری و قرمز بخوبی صیقلی و بعضی از آنها در نهایت مهارت داغدار شده‌اند. در بعضی ظروف سطح ظرف کاملاً داغدار شده و در بعضی دیگر نقوشی بر روش داغدار منعکس گردیده است که این نقوش در مقابل تابش نور انعکاس و تداؤل بخصوصی دارند. تزئیناتی به سبکهای خطوط نقطه چین فشرده قسمتهای شانه و اطراف لبه و دسته ظروف را آرایش داده است (شکل ۱۶).

ظروفی که برای مصرف روزانه ساخته شده بسیار ساده بوده و ظروف تزئینی باشکال مسبک و استیلزه پرندگان، حیوانات و گیاهان محلی که هنرمند را تحت تأثیر اشکال زیبای خود قرار داده‌اند ساخته شده است (شکل ۱۸). مجسمه سفالین حیوانات عموماً مجوف ساخته شده و مجسمه‌های انسان‌عریان ساخته شده‌اند. انواع مجسمه‌های سفالی حیواناتی از قبیل گاو کوهان‌دار (شکل ۱۹)، گوزن (شکل ۲۰) سنگ، قاطر (شکل ۲۱)، قوچ و خرس در حالات مختلف ساخته شده و دهان حیوان بصورت لوله‌رو بازی نمایش داده شده و لاله گوشهای حیوانات بیشتر سوراخ است (شکل ۲۲) و در بعضی از آنها گوشواره‌های ساده حلقه‌ای شکل مشاهده میگردد. سطح بدن این مجسمه‌ها بخوبی صیقلی و داغدار گردیده است.

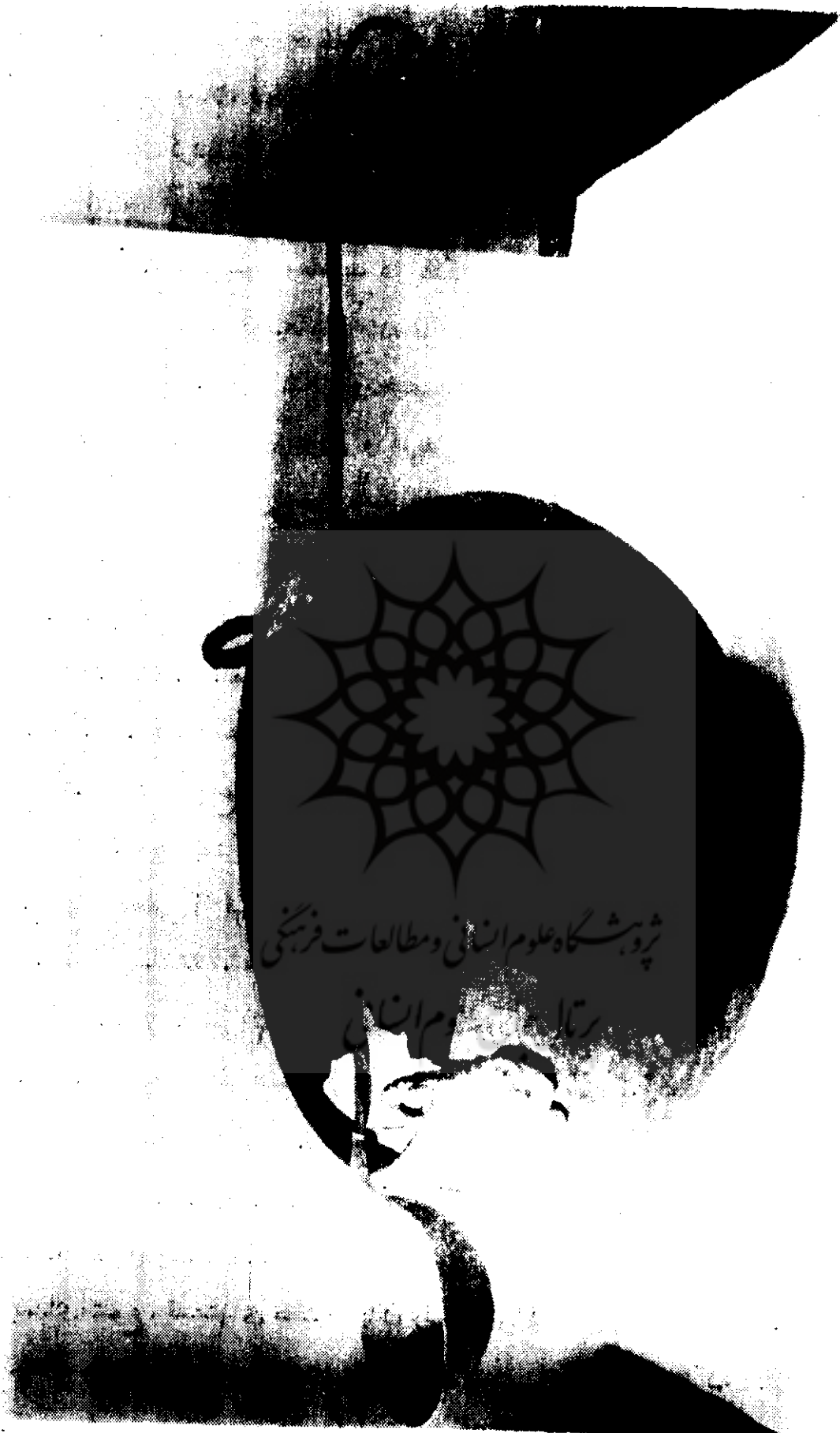
وسایل و ادوات آشپزخانه که برای تهیه غذا بکار میرفت در این آرامگاهها در گوشه‌ای قرار داده شده بود. بنظر میرسد این وسایل نیز بنا بر عقاید مذهبی همراه با جسد دفن گردیده‌اند. این وسایل عموماً از هاونهای سنگی بالوله‌رو باز که شاید برای آب گرفتن سبزی و پیوه‌ها نیز بکار میرفته است (شکل ۲۳)، سلاقه‌های برنزی سیخ‌های دوشاخه برنزی، قلاب برنزی نان‌گیری از تنور، ظروف بزرگ و کوچک برنزی و دیگرهای برنزی (شکل ۲۴) ظروف برنزی لوله‌دار، فنجان (شکل ۲۵) و کاسه برنزی تشکیل میگردد. بعضی از این ظروف برنزی ساده بوده و برخی بانقوش تزئینی بسیار زیبایی زینت گردیده‌اند. بعضی از این وسایل هنوز بهمین شکل در دهات اطراف این مناطق مورد استفاده قرار میگیرند.

از انواع ادوات ظریف که برای احتیاجات شخصی مورد مصرف قرار میگرفت

تصویر ۲۳



شعبہ کماؤ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



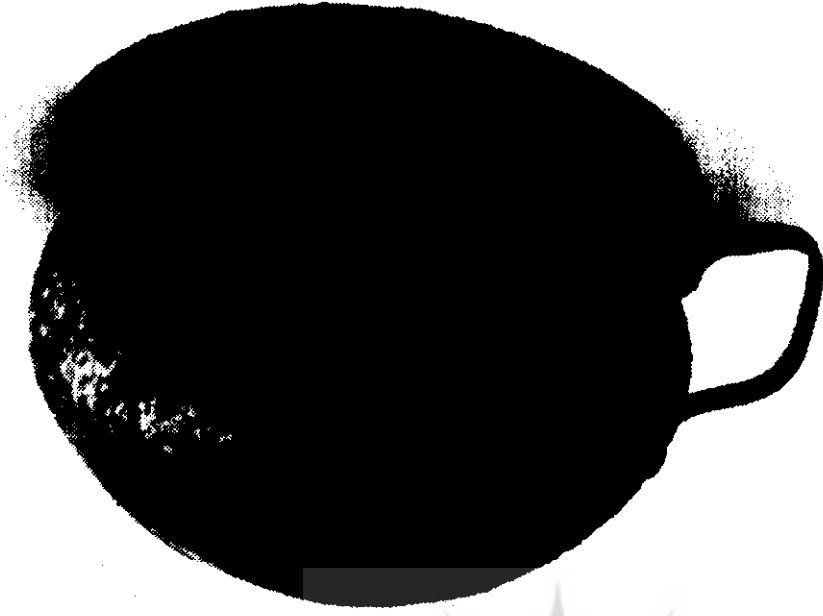
پروپوزیشن کا عنوان اور موضوعات فرہنگی

رہنما اور اساتذہ

میتوان مناقش برنزی، سوزنهای طلا و برنزی (شکل ۲۶) گوش پاک کن و ناخن پاک کن، کتلهای برنزی و طلا، درفشهای طلا و برنزی و دوک پشم ریزی برنزی را که در این حفاریات کشف گردیده، نام برد.

اسلحه این اقوام بیشتر از برنز ساخته شده و تعداد بسیار زیادی از انواع مختلف آن که بنا بر رسوم و عادات در هنگام دفن همراه با سرده بخاک آن سپرده شده است در ضمن حفاری آرامگاهها بدست آمد. اسلحه مورد نظر و محبوب و رایج این اقوام سرنیزه های مختلف شکل و مختلف اندازه بوده که بمقدار زیادی کشف گردیده انواع مختلف سرنیزه های طویل و عریض و سبک که بخصوص نوع سبک آن در محاربات سریع کوهستانی بسیار مفید بوده است ملاحظه شد. اسلحه دیگر که پس از سرنیزه مورد علاقه این اقوام بوده خنجرهای مختلف میباشد. خنجرها عموماً ساده ساخته شده و دارای دسته های تزئینی هلالی شکل بوده و در بعضی از آنها محل انگشتان نیز در دسته ساخته شده است (شکل ۲۷)، خنجر تزئینی بسیار زیبایی در یکی از قبور بدست آمد که قسمت های مختلف تیغه و دسته از سنگ لاجورد و سنگ سرسبز و طلا تزئین شده بود. انواع و اقسام سربیمکانهای برنزی که برای مبارزات مختلف و شکار حیوانات گوناگون بود کشف گردید (شکل ۲۸)، شمشیر به فراوانی خنجر بدست نیامده و در بعضی از قبور نوع سنگین آن بدست آمد. دسته شمشیرها و خنجرها عموماً مجوف ساخته شده و در داخل آن چوب قرار دارد. علاوه بر آنچه در بالا شرح داده شد انواع سنجهای مفرغی (شکل ۲۹) سپر، کلاه خود (شکل ۳۰)، و سبج بند رزی در حفاریات بدست آمد. همچنین انواع سرگرزهای مختلف (شکل ۳۱) که بعضی از آنها با سرانسان و حیوانات بطرز جالبی تزئین شده بودند در آرامگاههای بدست آمد (شکل ۳۲).

انواع مختلف مجسمه های کوچک حیوانات که از برنز ساخته شده است در حفاری بدست آمد. در ساختمان این حیوانات کوچک برنزی هنرمند بخوبی با برشهای متنوع، قسمتهای مختلف بدن را نمایش داده و بخصوص در نمایش شاخ و کوهان حیوانات مهارت زیادی بخرج داده است. این مجسمه ها که نمایش انسان (شکل ۳۳)، و حیوانات مختلفی را از قبیل سگ، پلنگ (شکل ۳۴)، بز کوهی، گاو



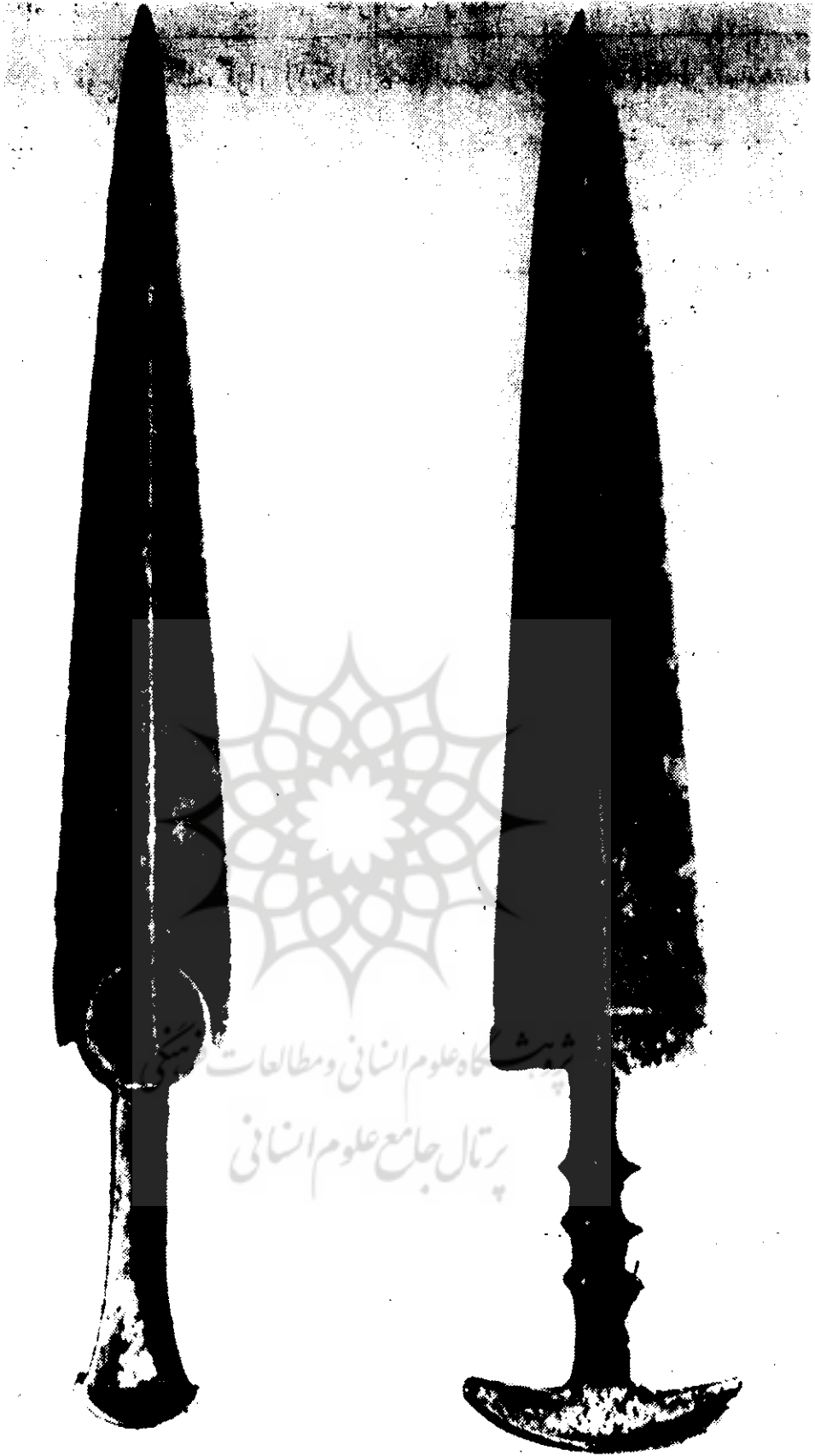
پژوهش در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پایه جامع علوم انسانی

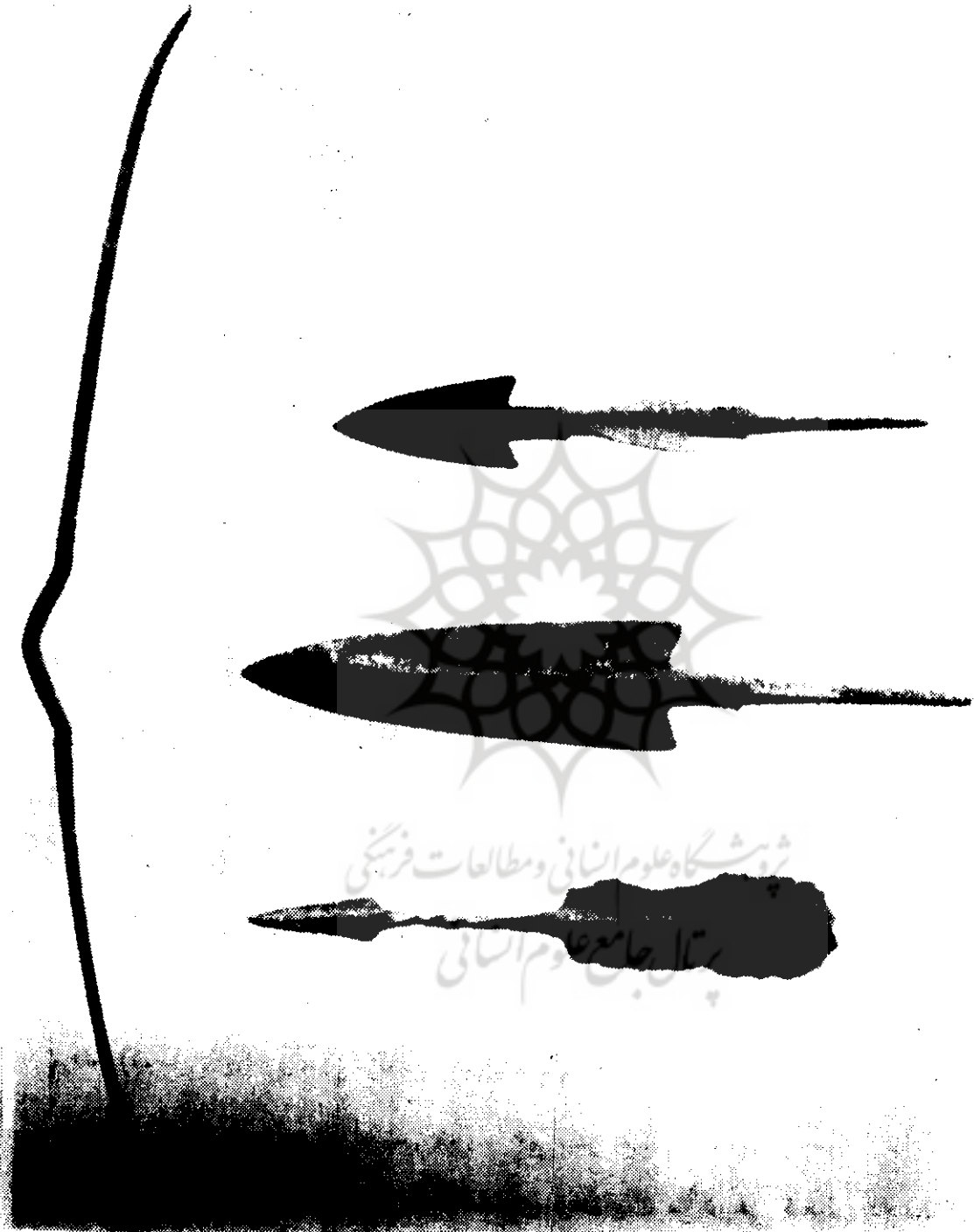


نهران دار، قوچ، گرگ، گراز (شکل ۳۵) اسب (شکل ۳۶) قاطر میدهند، عموداً ساده ساخته شده و در یک مورد یکی از آنها بر روی چهار چرخ نصب شده است که جنبه اسباب بازی دارد. در این مجسمه برنزی هنرمند در نهایت زیبایی گاو کوهان داری را بر روی چهار چرخ نصب نموده است. قدرت حیوان بخوبی بوسیله نهران بزرگ نمایش داده شده است.

جواهرات و تزئینات شخصی زیادی مانند انگشترها، گوشواره‌ها (شکل ۳۷)، دستبندها (شکل ۳۸)، آویزها، دگمه‌ها، برگها، پیشانی بندها، سنجاقها و گردن بندهای گچی (شکل ۳۹) بدل چینی، گوش ماهی، عقیق (شکل ۴۰) و طلا در ضمن حفريات یافت آمد. گردن بندهای گچی با بهره‌هایی بشکل قوچ و میمون، گردن بندهای بدل چینی بزرگ خاکستری با این بسوز با حاشیه طلا، گردن بندهای عقیق با حاشیه طلا (شکل ۴۱) و گردن بندهای طلا با بهره‌های ظریف و زیبا قسمتی از نفائس مکتشفه در این حفاری را تشکیل میدهند. بخصوص آویزهای طلائی تزئینی زیبایی که در حفاری بدست آمد از نظر روش ساخت و تکنیک و مهارت هنرمند در ساختمان آنها به شرف این اقوام را در جواهر سازی بخوبی آشکار مینماید. از جمله این آویزهای طلا میتوان آویز خورشیدی سر دب از انارهای کوچک، آویز قفس مانند (شکل ۴۲) و آویز بادوسر عقاب (شکل ۴۳) آویزهای هلالی شکل و آویزهای منشور مشبک را نام برد. یکی از موارد نادری در این حفاری را ممتاز مینماید تعداد زیادی اشیاء نئیس و پرارزش بود که در ضمن خاک برداری بدست آمد و از آن جمله جامهای طلا، نقره، برنز، سوزائیک و مجسمه‌های برنزی مختلف از انسان و حیوانات را میتوان نام برد و در اینجا فقط بشرح یکی دو نمونه از جامهای تزئینی میپردازیم.

یکی از جامهای مکتشفه جامی است که از نقره ساخته شده و ارتفاع آن ۱۴ سانتیمتر میباشد. در بالا ویائین نقش یعنی در نزدیک به لبه و کف جام یک ردیف تراز تزئینی بانقوش هندسی مشاهده میگردد. در یک طرف جام تصویر سرداری در حالی که دوپلنگ را در دو طرف با پنجه‌های نیرومند خود مهار نموده بروش برجسته و





پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پتال جامع علوم انسانی

خطدار نمایش داده شده است. این سردار کلاه خود تقریباً مخروطی شکلی بر سردار دارد و خطوط موجدار موازی کلاه خود را تزئین نموده‌اند. سردار دارای چهره‌ای مسطح و دماغی بزرگ می‌باشد. نیم تنه زرهی در بردارد که در کمر بوسیله کمربند پهنی تنگ بسته شده و آسادی سردار و ورزیدگی او را برای مبارزه با حیوانات درنده بخوبی نشان داده است، عضلات بازوان، رانها و ماهیچه‌های پا عمگی دلالت بر قدرت جسمانی این سردار نموده و هنرمند از عهده نمایش این موضوع بعد اعلای خود بخوبی برآمده است. خطوط چهره سردار بخوبی گویای احساسات درونی و قدرت باطنی و ظاهری این شخص می‌باشند. زره در قسمت بالای تنه از زنجیرهای جنافی شکل ساخته شده در صورتیکه از کمر به پائین با خطوط موازی نمایش داده شده و بصورت دامن کوتاهی می‌باشد. برای نمایش بیشتر قدرت این سردار هنرمند در ساختن بدن و عضلات حیوانات و ورزیدگی آنها دقت کافی نموده و با پیش‌بینی قدرت خارق‌العاده سردار را در مهار کردن این حیوانات ورزیده بخوبی نمایش داده است. سیمای پلنگ‌ها بخوبی حالت سبوعیت و درندگی حیوان و احساسات درونی او را نمایش داده است. برای شناسائی بهتر حیوان بدن بادایره‌های ریزی تزئین شده که نمایش لکه‌های بدن پلنگ را می‌دهند (شکل ۴۴)، در این تنه تصرف، هنرمند صحنه بسیار سهیج رزمی را مجسم نموده است در صورتیکه در طرف دیگر جام صحنه‌ای پس آرام نمایش داده شده و عبارت از درخت خشکی است که بر بالای آن یک بز کوهی قرار گرفته است. شاخه‌های خشک درخت بسیار متناسب ساخته شده و بز کوهی بسیار سوزون بر بالای آن قرار گرفته (شکل ۴۵)، و بدین ترتیب هنرمند مهارت خود را در نمایش دو صحنه مختلف در دو طرف جام آشکار نموده است. شاید هم نظر هنرمند نمایش جنبه اخلاقی و فلسفی بوده که قدرت مرد جنگی برای نگاه‌داری و حمایت بز زرهی ضعیف در مقابل پلنگ درنده بکار رفته است.

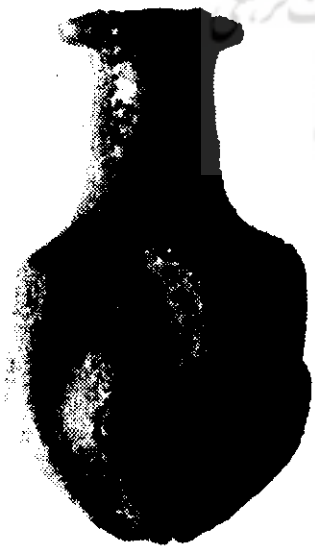
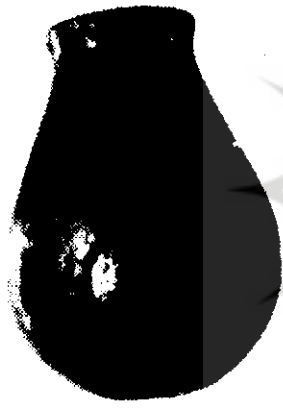
یکی از جاسهای طلا، جاسی است که قطر کف آن ۰/۵ سانتیمتر می‌باشد. در این جام هنرمند در مقابل درخت زرینینی (این درخت نوعی از سرو است که هنوز هم





در این منطقه پیروید) بز کوهی کوهان داری را نمایش داده و در زیر گردن بز کوهی نقش سرغ ماهیخواری نیز مشاهده میگردد. کلیه نقش جام بسبک برجسته ساخته شده و قسمت بالا و پائین صحنه بانوارهای نقطه چین تزئین شده است. بدن بز کوهی و سرغ ماهیخوار باشیاریهای ریزی تزئین شده و بز کوهی با کوهان بلند تقریباً جنبه حیوانی تخیلی بخود گرفته است (شکل ۶-۴)، در کف جام نقش ترنج زیبای هندسی مشاهده میگردد (شکل ۷-۴)، وجود درخت زرین و سرغ ماهیخوار بوسی بودن این جام را در این منطقه ثابت نموده و نشان میدهد که چگونه هنرمند از طبیعت هم جوار خویش در ساختن این جام الهام گرفته است. نقش بز کوهی کوهان دار رابطه هنری این جام را با هنر ساختن بز کوهی کوهان دار سفالی که نیز در این حفاری با دست آمده است نشان داده و وحدت تمدنی و هم آهنگی هنری این قوم را به ثبوت میرساند.

جام دیگر بصورت کاسه‌ای کوچک از طلا ساخته شده و دارای ۱۴۳ گرم وزن میباشد. لبه جام با حاشیه زنجیری هندسی تزئین شده و در کف جام نیز نوار هندسی مار پیچ مشاهده میشود. نقش صحنه جام بسبک برجسته بوده ولی سر حیوانات از تن جام بکلی خارج شده و از حالت نقش برجسته خارج و بصورت مجسمه درآمده است و بدین جام یک پارچه میباشد. در این جام هنرمند صحنه بسیار زیبایی را نمایش داده است بدین ترتیب که عقابی با بالهای گشاده خود بر پشت دوقوچ مشاهده میگردد (شکل ۸-۴)، بدن قوچها نیم رخ ولی سر قوچها از روبرو نمایش داده شده است. این روش بکلی از خصوصیات هنر ایران میباشد که عموماً بدن حیوانات از پهلو و سر حیوان از روبرو نمایش داده شود. این مطلب اصالت و هویت این هنر را مسلم نموده و ثابت مینماید این تمدن تمدنی ایرانی است. بدن حیوانات با خطوط موجدار و موازی تزئین شده و عضلات بدن عقاب و قوچها بخوبی نمایان است. در طرف دیگر جام در وسط درخت تزئینی قرار گرفته و در دو طرف بطور قرینه دوقوچ با همان خصوصیات هنری که در طرف دیگر جام نمایش داده شده بودند مشاهده میگردد (شکل ۹-۴) در کف جام شکل زیبای تزئینی هندسی مشاهده میگردد.



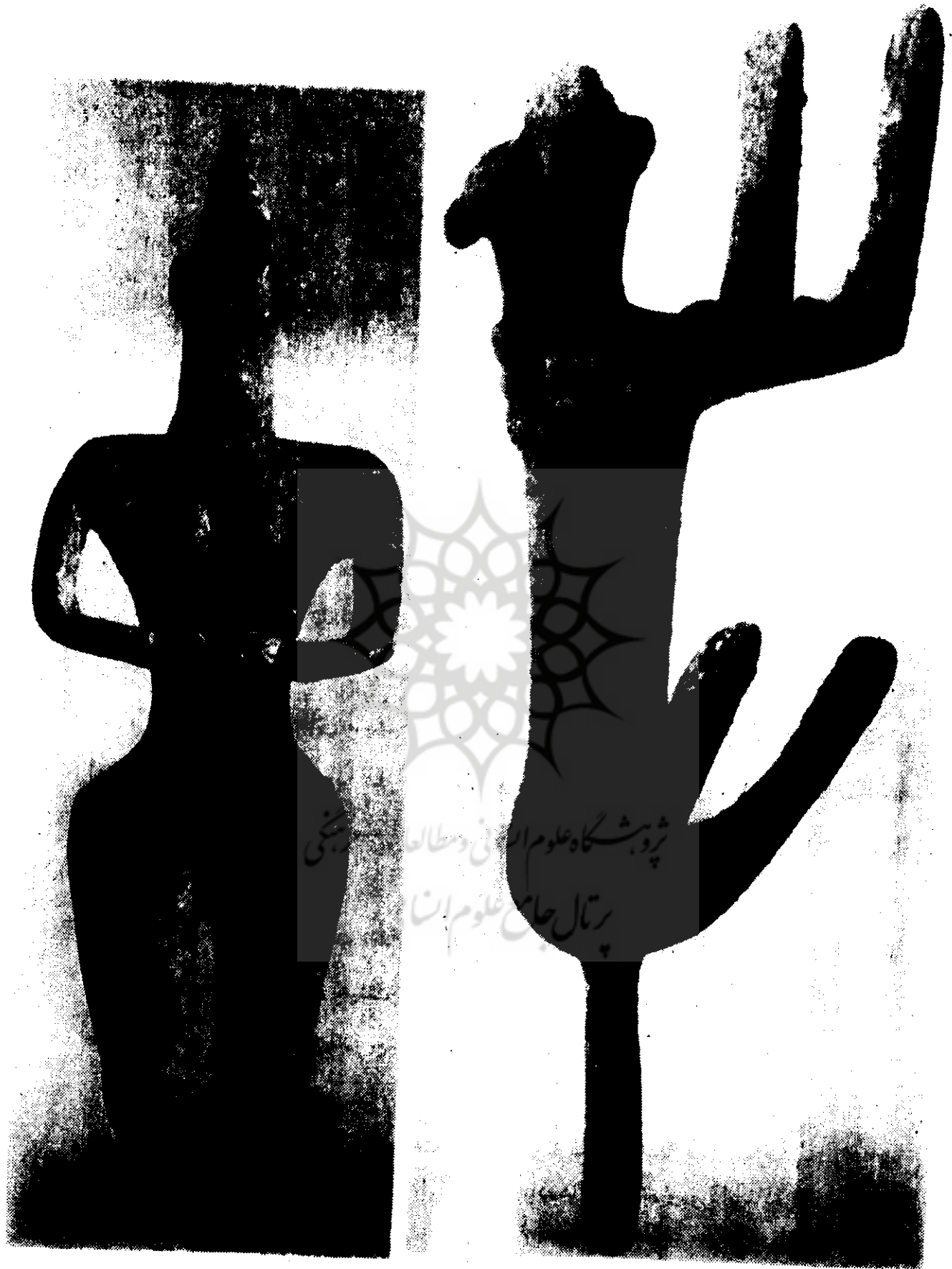
تصویر ۳۲



پیشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تال جامع علوم انسانی



تصویر ۳۱



تصویر ۳۴

تصویر ۳۳

جام طلای دیگر، جامی است که هنرمند در چهار طرف آن چهار عقاب را با نقش برجسته نشان داده است. سرپرندگان کاملاً از متن جام خارج شده و مجوف ساخته شده است (شکل ۵۰)، در کف جام نقش ترنج زیبای هندسی مشاهده می‌گردد. مجسمه و جامهای طلای متنوع دیگری نیز در حفاری بدست آمده از تشریح خصوصیات آن در اینجا خودداری میشود (شکل ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵).

مهرهای استوانه‌ای که از سنگ حدید، بدل و چینی و سنگ معمولی ساخته شده بودند در این حفاری بدست آمد که بر روی آنها مناظر مختلف مانند حیوانات (شکل ۵۶) مجالس شکار، رژه سربازان (شکل ۵۷) و حیوانات خیالی حک گردیده است. در مهرهای استوانه‌ای دومی شکسته که بر روی آن‌ها خطوط میخی کنده شده بود بدست آمد. یکی از این مهرها بوسیلهٔ پروفسور جرج کاسرون^۱ استاد دانشگاه میشیگان در مسافرت اخیر خود با یران ملاحظه کردند و چند کلمه مشخص روی مهر خوانده شد. ایشان پس از خواندن این کلمات اظهار نمودند تاریخ این مهرها در حدود قرن یازدهم و دهم قبل از میلاد بود، و استعمال این نوع خط بعد از این زمان بکلی متوقف شده است^۲. هم‌چنین مهرهای مسطح برنزی که دارای نقوش هندسی بودند کشف گردید. این مهرهای مسطح عموماً دارای دسته‌ای در پشت بوده و در بعضی از آنها سردسته برای آویزان نمودن مهر یا سوراخ شده و یا بشکل مجسمه کوچکی از پرندگان و یا حیوانات تزئین شده است.

در هنگامیکه عملیات حفاری مارلیک تا اندازه‌ای پیشرفت نموده و برای ادامه کار احتیاج به کلیهٔ اعضاء هیئت بود، عده‌ای برای حفاری پیله قلعه شروع بکار نمودند. پیله قلعه در پانصد متری در جهت شرقی تپه مارلیک در کنار گوهر رود قرار گرفته

۱ - George Cameron

۲ - مهرهای مسطح و استوانه‌ای

شخص بوده و عموماً مدت‌ها بعد از ساخت به‌است. بنابراین نقوش و علامات حک هستند ممکن است مدتها مورد استفا جوار هم بدست آیند.

وماً علامت مالکیت و معرف خانواده یا آده‌ها باقیمانده و مورد استفاده قرار می‌گرفته مهرها که عموماً معرف دوران ساخت آنها اشیائی که بعدها ساخته شده در حفاریات در



تصویر ۳۵

شماره ۳۵ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی



تصویر ۳۶



است (شکل ۵۸) تکه سفالهای شکسته‌ای که در سطح تپه وجود داشت بخوبی ظاهر می‌نمود که این تپه نه تنها همزمان با قبرستان مارلیک میباشد بلکه قطعه سفالهای دیگری که معرف دورانهای قبل و بعد از مارلیک بود در سطح تپه مشاهده میگردید. پیمه قلعه تپه مخروطی شکل شیب دار مرتفعی است که قسمتی از ارتفاع آن طبیعی و قسمت بالای آن مصنوعی و از بقایای آثار ساختمانی دورانهای مختلف تشکیل شده است. گوهر رود دامنه شرقی این تپه را دورزده و سپس بطرف شمال جریان می‌یابد. این وضعیت و بخصوص شیب تند تپه در قسمت‌های شرقی و شمالی که در اثر جریان رودخانه در طول هزاره‌ها سال ایجاد شده دست‌رسی به تپه را از این دو طرف غیرممکن نموده و در جهات دیگر تپه نیز یعنی در دامنه‌های غربی و جنوبی بعلا شیب تند تپه و ارتفاع زیاد آن تا سطح زمینهای اطراف، خالی از اشکال نیست. بنابراین وضعیت طبیعی بسیار مناسب، این ساختمانها در این محل که دارای موقعیت دفاعی خوبی بوده احداث گردیده است.

پس از آگاهی از اهمیت تپه و مسلم شدن رابطه آن با قبرستان مارلیک و هم چنین وجود آثار دیگری، قبل و بعد از دوران مارلیک، برای روشن نمودن تاریخ این منطقه تصمیم بحفاری گرفته شد. برای شروع حفاری، تپه نقشه برداری و به قسمت‌های تقریبی ۵ × ۵ متر تقسیم گردید (شکل ۵۹) بزودی آثار و بقایای ساختمان قلعه‌ای ده در اثر آتش‌سوزی از بین رفته بود در بالای تپه ظاهر گردید. مصالح ساختمانی ده درین قلعه بکار رفته از خشتهای خام بزرگ و ملاط گل بوده و سقفها باتیرهای چوبی و سپس شاخه‌های درخت زربین پوشیده و سپس با گل اندود شده بود. برای آشکار نمودن طبقات باستانی که در زیر این ساختمان قرار داشت دامنه جنوبی تپه نیز خالک برداری و معلوم گردید بقایای سه طبقه ساختمانی اصلی مربوط به دورانهای مختلف در تپه بر رویهم قرار دارد. آثار و بقایای سوخته در هر یک از این سه طبقه معرف از بین رفتن و ویرانی آنها بوسیله آتش‌سوزی میباشد. با وجود این طبقات ساختمانی، بر رویهم اهمیت تپه از نظر روشن نمودن تاریخ منطقه رحمت‌آباد و هم چنین تاریخ معماری



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



تصویر ۳۹

ایران مسلم بود و حفاری از بالای تپه بمنظور روشن نمودن سطح کلیه طبقات موجود در تپه آغاز گردید. بنابراین پس از مدتی مرتفع ترین طبقه تپه یعنی قسمتی از قلعه‌ای که شاید ساختمان آن مربوط باواخر دوره ساسانی بوده و در اوایل دوره اسلامی نیز سرست گردیده و مورد استفاده قرار گرفته است، آشکار گردید.

در این هنگام یعنی در اواخر تابستان ۱۳۴۱ م. ستاسفان حفاری کلیه قسمتهای دره گوهر رود متوقف و کلیه فعالیت هیئت در حفر ترانشه‌ای در دامنه غربی تپه از بالای تپه تا سطح برنج‌زارهای غربی متمرکز گردید. در هفتم آبانماه ۱۳۴۱ یعنی پس از یکسال حفاری و مواجهه با مشکلات طبیعی مانند برف و باران و باد و سرما و گرما و هم‌چنین مخاطرات جانی و حملات دزدان و قاچاقچیان، هیئت حفاری به تهران مراجعت کرد و برای تعیین تکلیف گزارش لازم که متضمن مضار و وقفه در حفاری و مراجعت هیأت و بالنتیجه آزاد شدن دست‌حفران غیرقانونی و به‌یغما بردن بقیه آثار گرانبها و نفیس باستانی این منطقه بود بوزارت فرهنگ داده شد. به‌رحال همان‌طور که در بالاتر ذکر داده شد با حفر ترانشه‌ای در دامنه غربی پیله قلعه در اواخر عملیات حفاری، هفده طبقه اصلی و فرعی باستانی آشکار گردید که طبقات ۶-۱ (از پائین به بالا نمره گذاری شده) متعلق به قبل از دوران مارلیک و طبقات ۳-۸ همزمان با قبرستان سلاطین مارلیک (شامل اولین قسمت ساختمانی پیله قلعه است و بوسیله اقوابی که قبرستان مارلیک را ایجاد نموده‌اند ساخته شده) و طبقات ۵-۱۱ (شامل دومین طبقه ساختمانی که بر روی بقایای ساختمانی هم‌دوره با مارلیک ساخته شده و چون در آن قسمت هیچگونه حفاری نشده تاریخ آن معلوم نگردید) متعلق به دوره‌ای بعد از مارلیک و طبقات ۱۷-۱۶ آخرین قسمت ساختمانی و شامل یک قاعه دفاعی که متعلق به اواخر دوران ساسانی و اوایل دوره اسلامی می‌باشد.

در وضعیتی چنین حساس و در هنگامیکه با ادامه حفاری در این طبقاتی که در ترانشه غربی آشکار گردیده بود بخوبی در حدود سه هزار سال تاریخ (از اوایل هزاره دوم قبل از میلاد تا حدود قرن دهم میلادی) منطقه رحمت‌آباد و گیلان آشکار میگردد و ممکن بود از این نظر کمک بسزائی به روشن نمودن تاریخ این منطقه



تصویر ۴۰

تصویر ۴۱

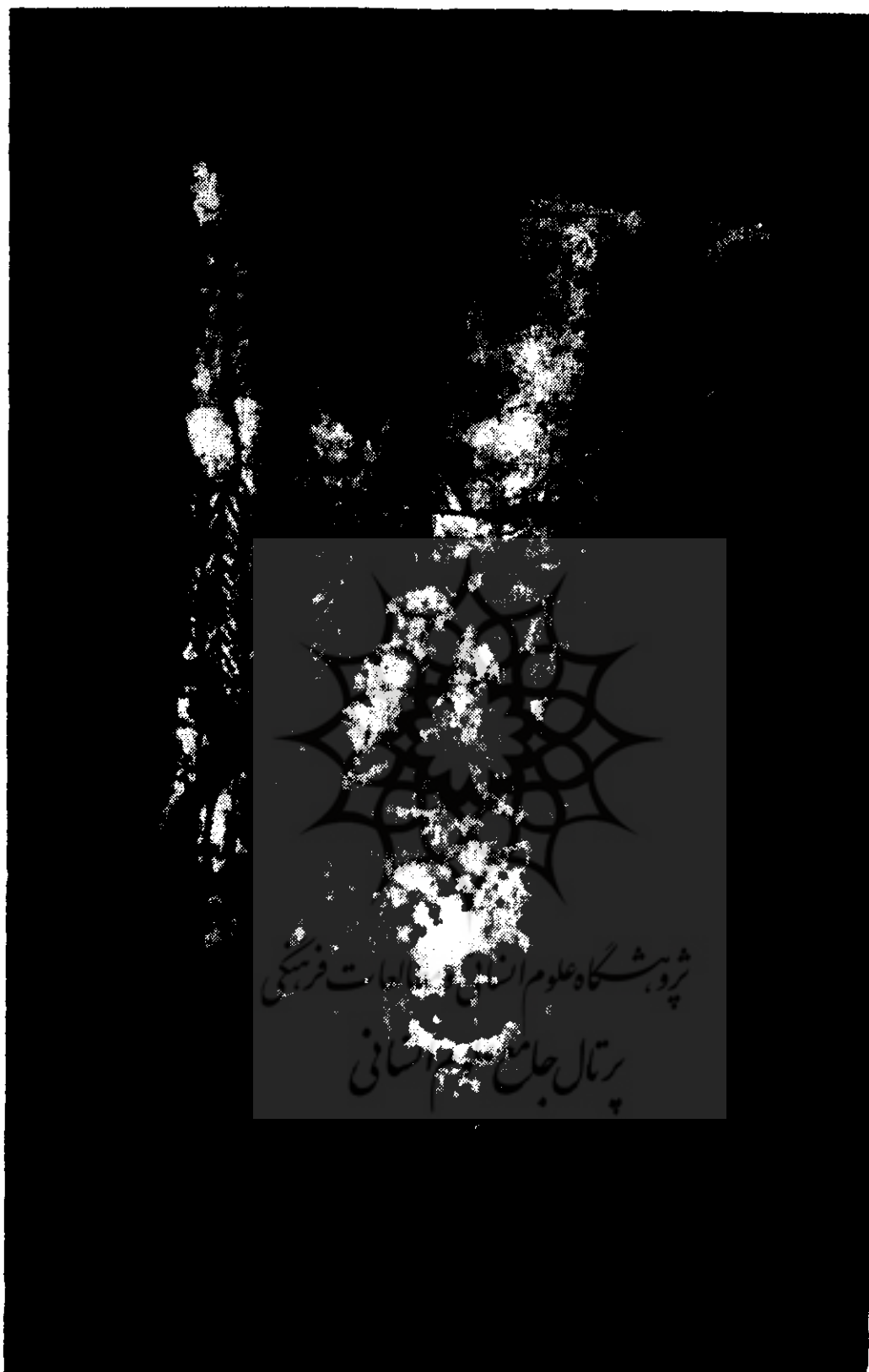


تصویر ۳



بشود متأسفانه حفاری متوقف و فقط طبقات ۱۷-۱۶ که در سطح تپه بود حفاری شد و طبقات ۱۵-۱۱ بکلی ناتمام ماند.

ناگفته نماند، در آن هنگام که هیئت حفاری سرگرم کار در تپه‌های مارلیک و پیله قلعه بود، برای بررسی و آشنائی با کیفیت و چگونگی آثار باستانی قسمت‌های دیگر دره گوهر رود گمانه‌های جزئی آزمایشی حفر شد، در یکر از این گمانه‌های آزمایشی که در فاصله تقریباً سیصد متری جنوب غربی تپه مارلیک حفر گردید یکی از جالب‌ترین آرامگاه‌هایی که از نظر طرز دفن و هم‌چنین عقاید مذهبی و رسوم و عادات اقوام باستانی این منطقه اهمیت فراوانی داشت در «علی کرم باغ» آشکار گردید که از نظر اهمیت بشرح مختصر این آرامگاه در اینجا می‌پردازیم: این آرامگاه مستطیل شکل و با سنگ‌های شکسته و ملاط‌گل ساخته شده و دارای ۴ متر طول و ۲/۵ متر عرض بود (شکل ۶۱)، پس از کمی حفاری در قسمت‌های سطحی آرامگاه هشت اسکلت ناقص که بعضی از آنها بدون سر و بعضی دیگر فاقد دست یا پا بودند در جوار یکدیگر بدون سراع‌ات نظم و ترتیب دفن شده بودند. پس از خاک برداری و پاک نمودن اسکلت‌ها این قسمت مقبره بهمین وضع نگاهداری، و حفاری در طرف دیگر همین آرامگاه ادامه داده شد. در این محل در قسمت عمیق‌تری یک اسکلت کامل که به پهلو خوابانده شده و پاهای جمع شده بود و اشیاء مختلفی مانند ادوات رزم، وسایل زندگی و اشیاء تزیینی زیادی که همراه مرده دفن شده بود، آشکار گردید (شکل ۶۲). با توجه به ساختمان آرامگاه، این وضعیت نمایان می‌ساخت که در این آرامگاه که در یک زمان ساخته شده در دو طبقه اشخاص بخاک سپرده شده‌اند. از اشیاء تزیینی و وسایل حرب که همراه با جسد عمیق‌تر آرامگاه بخاک سپرده شده بود بنظر می‌رسد این آرامگاه مربوط به سرداری است که در هنگام نبرد با عده‌ای از سربازان خود کشته شده است و بهمین علت اسکلت سردار ابتدا با کلیه وسایل رزمی و تشریفاتی دفن گردیده و سپس بر روی اسکلت و اشیاء از کف مقبره تا ارتفاع تقریباً ۲۵ سانتیمتر گل پوشیده شده و پس از ۴ سانتیمتر دیگر که با خاک پر شده، بر روی آن، اجساد ناقص سربازان در آرامگاه



سردار خود بخاک سپرده شده‌اند. این طرز دفن اجساد در یک آرامگاه نیز در حفریات باستانشناسی بی سابقه بوده و همانطور که در طرز بخاک سپردن اجساد در قبرستان مارلیک فوقاً شرح داده شد بنظر می‌رسد این اقوام دارای عادات و رسوم و عقاید مخصوصی در این مورد بوده‌اند.

قبلاً نیز اشاره گردید که آثار باستانی مکشوفه در آرامگاه سلاطین مارلیک متعلق به یک طبقه باستانی است که سطح قسمت سنگی و طبیعی تپه مارلیک را فرا گرفته بود. کشف آثار در یک طبقه باستانی اگرچه از نظر وحدت یک تمدن بخصوص امتیازات زیاد دارد ولی از نظر تعیین تاریخ تنها راه مقایسه است که می‌تواند این مشکل را حل نماید. بخصوص چون حفاری پیمه قلعه که با داشتن آثار ساختمانی و طبقات مختلف باستانی بخوبی می‌توانست تاریخ و قدمت این دوران را روشن نماید ناتمام ماند ناچار برای تعیین تاریخ این اقوام، اشیاء مکشوفه با آثار پیداشده در حفریات دیگری مانند آشوربها^۱، میتانیها^۲، مانیان^۳، اورارتورها^۴ و سیتها^۵ مقایسه و در اینجا با توجه به حفریات دیگر درباره تاریخ آنها اظهار نظر می‌گردد.

مطالعه آثار مکشوفه در حفاری آرامگاه سلاطین مارلیک ما را بدین نتیجه می‌رساند که این آثار تا اندازه‌ای با آثاری که در اواخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول قبل از میلاد در حفریاتی مانند قبرستان (ب) تپه سیلک نزدیک کاشان^۶، تپه گیان در نزدیکی

۱— Assyrians.

۲— Mitannians.

۳— Mannians.

۴— Urartuans.

۵— Scythians.

۶— R. Ghirshman., Fouilles De Sialk Prés De Kashan, Vol: II



نهایند^۱، شوش^۲، لرستان^۳، خوروین^۴، گک تپه (گوی تپه)^۵، حسنلو نزدیک نقده در آذربایجان^۶، زیویه کردستان^۷، تپه حصار نزدیک داسغان^۸، کلاردشت - مازندران^۹، حسن زمینی^{۱۰}، بشتاشنی^{۱۱}، لانگران^{۱۲}، آتا اولر^{۱۳}، سامتادرو^{۱۴} در طالش در قسمتهای مختلف ایران و همچنین در حفاریاتی متعلق بهمین دوره در خارج از ایران مانند انکومی در قبرس^{۱۵}، قصور آشوری در آشور^{۱۶}، رازشمر در سوریه^{۱۷}، تل الفارح در بن النهرین^{۱۸} قابل مقایسه میباشد.

باتوجه بمقایسه ها و بررسیهای فوق بنظر میرسد که تپه مارلیک از نظر اهمیت مذهبی دوره ای در حدود دو یا سه قرن در اواخر هزاره دوم و اوائل هزاره اول قبل از میلاد بعنوان آرامگاه سلاطین و سرداران و شاهزادگان این اقوام مورد استفاده قرار گرفته است. پیشرفت و تکامل هنر این اقوام در حد بین هزاره دوم و اول قبل از میلاد بعد اعلای خود رسیده و مسلماً این اقوام در فاصله قبل از این زمان نیز دوران نهایت قدرت سیاسی و عظمت خویش را میگذرانده و بر منطقه ای شامل گیلان، مازندران و قسمتی از آذربایجان حکمرانی و تسلط داشته اند و با کمک همین قدرت سیاسی توانسته اند این اشیاء نفیس و چنین مکتب ارزنده هنری را که از نظر هنر پر کثیف آثار مکتشفه

۱— Conteneau, Ghirshman, Fouilles De Tepe Giyan.

۲— Vanden Berghe, Archeologie De L'Iran Ancien

۳— Schaeffer, Claude, F.A. *Stratigraphie Comparée et Chronologie de L'Asie Occidentale*. Oxford University Press, London, 1948.

۴— Vanden Berghe, *Archeologie De L'Iran Ancien*

۵— Schaeffer, *Stratigraphie Comparée et Chronologie De L'Asie Occidentale*

۶— Crawford, Vaughne, E. *The Metropolitan Museum of Art Bulletin*, Nov

1901

۷— Godard, André, *Le Trésor De Ziwiye* 1950.

۸— Schmidt, Erich, F., *Tepe Hissar*

۹— Vanden Berghe, *Archeologie De L'Iran Ancien*

۱۰ - ۱۵ - Schaeffer, *Stratigraphie Comparée et Chronologie de L'Asie Occidentale*.

۱۶— Barnett, R.D. *Assyrian Palace Reliefs*

۱۷-۱۸- Bossert, Helmuth, TH. *Alt Syrien Tubingen* 1951.



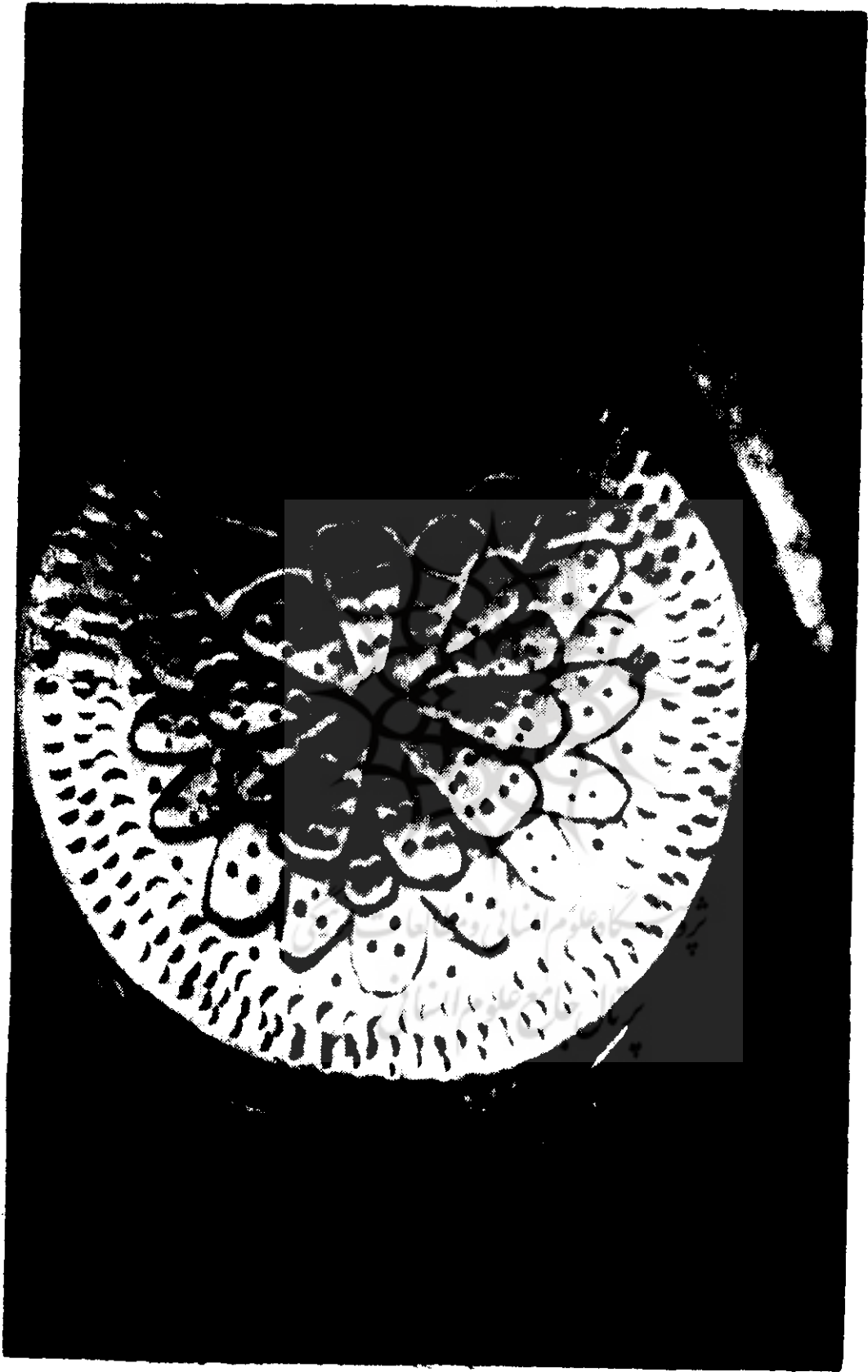
پروفیسر کاہنشاہ علی محمد
مجمع علوم انسانی

تقریباً

همزمان خویش برتری دارد بوجود آوردند. بنظر میرسد این اقوام در اثر حملاتی بوسیله اقوام غربی این منطقه وبخصوص آشوریها به طرف مشرق رانده شده و آثار و بقایائی در قبرستان (ب) تپه سیلک کاشان وقسمتی از لرستان از خود به یادگار باقی گذاشته اند.

اگرچه تا کنون در مناطق گیلان وسازندگان حفاریات علمی انجام نشده و آثار باستانی بدست آمده از این نواحی بیشتر در حفاریات غیرقانونی وتجاری آشکار شده و فعلا قسمتی از آنها در موزه های خارج یا مجموعه های شخصی است که در کاتولگهای نمایشگاه آثار هفت هزار ساله هنر ایران اخیراً بعضی از آنها به چاپ رسیده است. ولی مقایسه آنها با آثار مکشوفه در قبرستان سلاطین مارلیک بخوبی ثابت مینماید که مرکز اصلی این مکتب هنری ارزنده یاد خود دره گوهررود و یادر نزدیکی آن بوده و از نظر هنری اشیاء بدست آمده در این قبرستان بر سایر آثار مکشوفه در این مناطق برتری زیادی داشته وشاهکارهای هنری این مکتب ایرانی واصیل بعنت اهمیت این تپه از نظر مذهبی بوسیله این اقوام در آرامگاه سلاطین وسرداران آنها بخاک سپرده شده است. درخاتمه بعرض خوانندگان محترم میرساند، آنچه در بالا شرح داده شد گزارش بسیار مختصری از حفاریات دره گوهررود بود و گزارش مقدماتی این حفاریات بوسیله نگارنده تنظیم وباتمام رسیده ومقرراست از طرف وزارت فرهنگ بصورت کتابی به چاپ برسد و فعلا در دست چاپ میباشد وبزودی در اختیار خوانندگان محترم قرارخواهد گرفت.

شهریور ۱۳۴۲



تصویر ۴۷

فهرست تصاویر

۱- نقشه ایران - محل تقریبی مارلیک که به علامت مثلث معین شده است. این محل تقریباً در چهارده کیلومتری شرق رودبار قرار گرفته است.

۲- قسمتی از نقشه منطقه رحمت آباد - رحمت آباد منطقه ای آباد و شامل دهات زیاد است که بیشتر آنها دارای چشمه سار میباشند و جزء شهرستان رودبار محسوب میشود.

۳- دره گوهررود - این دره یکی از دره های زیبای منطقه رحمت آباد است. در این دره دهکده های لات ، جازم کرل ، نصفی ، سوقستانک ، و چند آبادی کوچک دیگر قرار گرفته است. طول این دره از سرچشمه رودخانه تا سطحی که به سفیدرود می پیوندد در حدود پانزده کیلومتر میباشد.

۴- چراغعلی تپه (دامنه شمالی) - این تپه تا رود سفیدرود دو کیلومتر فاصله دارد. برای رسیدن بدین تپه پس از گذشتن از رودبار بطرف رشت در ۱ کیلومتری جاده رودبار به رشت قهوه خانه ای بنام کتله قرار گرفته است. در این محل از رودخانه گذشته و پس از طی دو کیلومتر در دره گوهررود در سمت غربی رودخانه، چراغعلی تپه و زیتونستان مارلیک که اطراف تپه را فرا گرفته است قرار دارد.

۵- نویسنده مقاله در ضمن حفاری اولین مجموعه پوسیاده پیدا شده در آرامگاه

XVE مارلیک .



تصویر ۴۸

پروفیسر شکیلہ بیگم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنٹل جامع علوم انسانی

۶- کارگران و کارمندان و کارگران هیئت حفاری با وسایل کار خود

۷- دهکده کلايه - این دهکده در مشرق گوهر رود قرار گرفته است. خانه های دهکده از چوب و دو طبقه ساخته شده است.

۸- دهکده نصفی - این دهکده در جنوب شرقی مارلیک واقع شده و در حدود ۹۰۰ متر با تپه فاصله دارد. قسمتی از مایحتاج هیئت از این دهکده تأمین میگردد. کارگران حفاری بیشتر از اهالی این دهکده بودند.

۹- نقشه تپه مارلیک با آرامگاههای مکشوفه. بیشتر آرامگاهها در دامنه شمال تپه قرار گرفته بود.

۱۰- اسکلت در آرامگاه: این اسکلت که در آرامگاه XXIII G قرار داشت بر روی خنجرها و سرنیزهها و بر روی تخته سنگ بزرگی دفن شده بود، دگمه های طلا، جام طلا و دانه های گردن بنام درعکس مشاهده میشود.

۱۱- آرامگاه با سنگ لایه - این نوع آرامگاه از سنگ لایه زرد رنگ ساخته شده است و تا اندازه ای مرتب میباشد. سطح دیواره آرامگاه با پوششی از گل قرمز اندود شده بود که در بعضی از قسمتها هنوز بقایای آن وجود داشت.

آرامگاه XVIII C

۱۲- قسمتی از یک آرامگاه - در این عکس شیردوش سفالی، دیگ مفرغی و کاسه سفالی که وارونه در داخل دیگ قرار دارد در ضمن خاکبرداری مشاهده میشود.



مرکز تحقیقات علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۳- **گلدان سه شاخه** - این گلدان سه شاخه به تقلید از شکل لاله‌های وحشی (که در اواخر اسفند ماه در دره گوهررود می‌روید و بخصوص در دامنه شمالی تپه مارلیک دیده می‌شود) در نهایت متانت و ظرافت و زیبایی ساخته شده است.

۱۴- **گاوهای سفالی** - در گوشه‌ای از آرامگاه این گاوهای سفالی در جوار یکدیگر آشکار گردید. هنرمند در نمایش کوهان گاو که علامت نیرومندی حیوان بوده است تا اندازه‌ای تشدید نموده است.

۱۵- **نمونه گاو آهن** - در این نمونه که از مفرغ ساخته شده است هنرمند گاوها، یوغ، گادار، خیش را ساخته و بخوبی وضع کشاورزی آن وقت را نمایان میسازد.

شماره حفار M ۵۹
طول تقریبی ۲۵
شماره موزه ایران باستان ۲۵۰۷۱
محل پیدایش XVIII
وزن ۳۴۵ گرم

۱۶- **کوزه بدل چینی** - این کوزه که در نمونه‌های اولیه صنعت بدل چینی می‌باشد برنگ فیروزه‌ای باز ساخته شده است. در زیر کردن با نقوشی تزیین شده است.

شماره حفار M ۳
قطر دهانه ۲٫۷ سانتیمتر
شماره موزه ایران باستان ۲۵۲۱۰
ارتفاع ۱٫۸
۸۲۱۰
محل پیدایش XVE

۱۷- **ظرف سفالی ساده** - این کوزه که برنگ آجری قرمز ساخته شده است کاسلا داغدار و صیقل شده است. محل اتصال کردن به بدنه و همچنین در وسط کردن



نوار برجسته‌ای که با خطوط مستقیم موازی تزیین شده دیباچه می‌شود.

شماره حفار M ۲۸۶

ارتفاع ۲ سانتیمتر

شماره موزه $\frac{۲۵۲۷۷}{۸۲۷۷}$

قطر دهانه ۱٫۷

محل پیدایش XVIII F

۱۸- ظروف سفالی بشکل پرند - این ظرف بسیار با تناسب ساخته شده و هنرمند آنرا بتقلید از شکل مرغهای ماهیخواری که در اطراف رود سنیدرود بخصوص در فصل پائیز بوفور دیده می‌شود ساخته است. ظرف با نقوش زیگزاگ داغدار در بدنه و در قسمت پائین لوله و بدنه با نوارهای موازی فرورفته تزیین شده است. سفال دارای رنگ سبز زیتونی می‌باشد.

شماره حفار M ۵۷۸

قطر دهانه ۷٫۵

شماره موزه ایران باستان $\frac{۲۵۰۶۷}{۸۰۶۷}$

ارتفاع ۲٫۵

محل پیدایش XVII B

۱۹- گاو سفالی - مجسمه گاو سفالی برنگ آجری قرمز ساخته شده و در نمایش

کوهان گاو اغراق گردیده است. حیوان دارای گوشهای سوراخ شده‌ای است که

گوشواره طلائی در آنها آویزان است.

شماره حفار ۴۹۱

طول ۲٫۸ سانتیمتر

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۶۶۷}{۷۶۶۷}$

ارتفاع ۲٫۵

محل پیدایش XIV D

۲۰- گوزن سفالی - گوزن برنگ قرمز ساخته شده و دارای شاخهای دنداندار

بلند می‌باشد.



شعبه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

طول ۳۴

شماره حفار ۸۲

شماره موزه ایران باستان $\frac{10244}{8144}$

محل پیدایش XXIII G

۲۱- قاطر سفالی - این مجسمه سفالی برنگ قرمز آجری ساخته شده و بدن حیوان بخوبی صیقل گردیده است. حیوان دولنگه بار بر پشت دارد. دهان حیوان بشکل ناودان ساخته شده است.

طول ۳۶۵

شماره حفار ۱۱۱۱

شماره موزه ایران باستان $\frac{14664}{7664}$

محل پیدایش XV E

۲۲- مجسمه گاو سفالی - مجسمه برنگ قهوه‌ای سایل بقمرز ساخته شده و بدن حیوان بخوبی صیقل گردیده است.

طول ۲۹

شماره حفار ۵۰۲

شماره موزه ایران باستان $\frac{20130}{8130}$

محل پیدایش XVIII C

۲۳- هاون سنگی - هاون بشکل استوانه‌ای با لوله روباز ساخته شده است. در وسط هاون دسته سنگی هاون وجود دارد.

قطر دهانه ۱۳۵

شماره حفار M ۵۷۵

ارتفاع ۱۱۵

شماره موزه ایران باستان $\frac{14598}{7098}$

محل پیدایش XVII D

۲۴- دیگ برنزی - این دیگ بشکل کروی ساخته شده و کف آن نیز کروی



پروژه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکل میباشد. در دو طرف دیگر دو دسته پرچ شده است.

شماره حفار ۱۷۲
قطر دهانه ۳
شماره موزه ایران باستان $\frac{۲۵۱۴۶}{۸۱۴۶}$
ارتفاع ۲۱
محل پیدایش XIV D
وزن ۱۹۷۰ گرم

۲۵- فنجان برنزی - فنجان کاملاً متناسب ساخته شده و دسته در یک طرف آن از لبه به بدنه پرچ شده است.

شماره حفار M ۱۰۱
ارتفاع ۸
شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۵۸۹}{۷۵۸۹}$
قطر دهانه ۵/۰
محل پیدایش XVII D

۲۶- سوزن طلا - سوزن طلا بطرافت سوزنهائی که امروز در کارخانه ها تهیه میشود ساخته شده و سوراخ آن بوسیله حلقه ای که یک طرف آن با سوزن یک پارچه بوده و طرف دیگر به سوزن چسبیده است در انتهای سوزن تعبیه شده است.

شماره حفار ۴۱۳
طول ۵
شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۸۷۴}{۷۸۷۴}$
وزن ۰۳ گرم
محل پیدایش XVIII C

۲۷- خنجر مفرغی - در این عکس دو خنجر مفرغی مشاهده میشود - در یکی از آنها دسته ساده ساخته شده و مابین دسته و تیغه هلال برجسته نعل اسبی مشاهده میگردد. در دسته دیگری محل انگشتان تعبیه شده و در انتهای دسته هلالی ساخته شده است.



پروفیسر اے۔ اے۔ خانانی و طالبات فرہنگی
پتال جامعہ علوم اسلامیہ اسلامیہ

شماره حفار ۳۴۲ - ۳۳۱ طول ۳۹ ۴۱۰

شماره موزه ایران باستان ۲۵۲۱۹ - ۱۹
۸۲۱۹

مجله پیدایش XVIII F XXI N

۲۸- سرپیکان و نمونه کمان - سرپیکانها و نمونه کمان از مفرغ ساخته شده

است. یکی از پیکانها دارای چهارسر میباشد.

پیکانها

مدل کمان

شماره حفار

شماره حفار ۱۵۷ طول ۳۱

شماره موزه ۴۴ انباری

شماره موزه $\frac{۲۵۳۷۵}{۸۳۷۵}$

مجله پیدایش XVII B

مجله پیدایش XVII D

۴۹- سنج مفرغی - این سنج دارای حلقه‌هایی مرکب از منبره‌های آهنی

است که در موقع بهم خوردن آهننگ بهتری ایجاد میکند. در بالای سنج سوراخی است

که بوسیله نوار پارچه با انگشت شست نگاهداری میشود. این نوارهای

پارچه‌ای بعنت اینکه مابین دو سنج بوده بخوبی محافظت شده و بر روی لبه سنج

مشاهده میشود.

قطر ۲۳۰

شماره حفار ۳۹۸

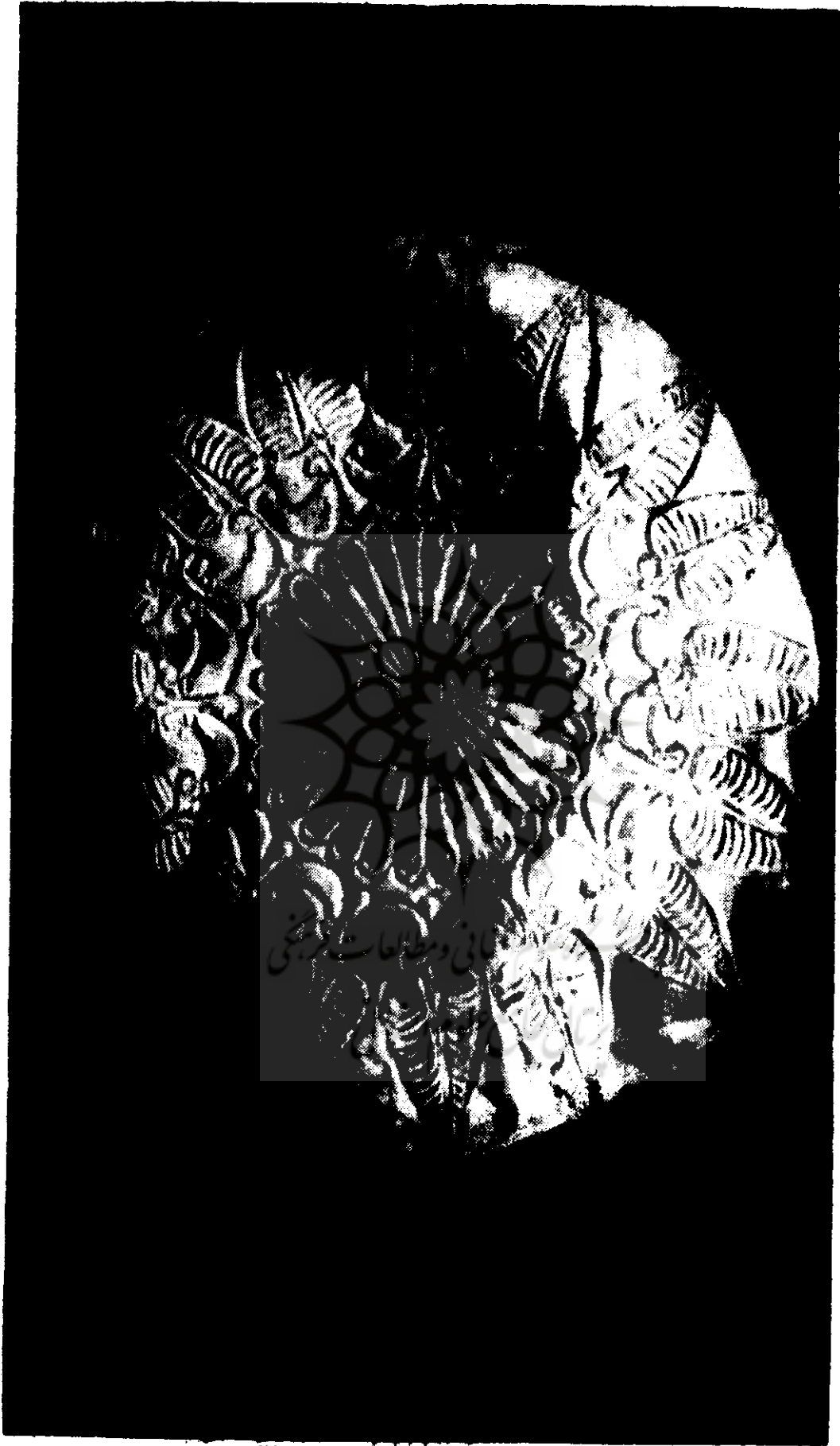
وزن ۷۰ گرم

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۵۹۴}{۷۵۹۴}$

مجله پیدایش XVIII C

۳- کلاه خود مفرغی - این کلاه خود بشکل مخروطی ساخته شده و بر روی

آن اثر ضربه گرز مشاهده میگردد.



۱۳۰۰

کتابخانه و موزه ملی ایران

شماره حفار ۹۲ وزن ۳۰۰

$\frac{۲۵۲۰۰}{۸۲۰۰}$

شماره موزه ایران باستان

محل پیدایش XVII B

۳۱- سرگروز مفرغی - این سرگروز با شیارهای مارپیچ تزیین شده است .
یک طرف آن با دو سر بز کوهی تزیین شده و در وسط سوراخی برای محل دست
چوبی وجود دارد .

شماره حفار ۷۶M طول ۱۷۰

وزن ۶۲۰

$\frac{۱۴۶۴۹}{۷۶۴۹}$

شماره موزه ایران باستان

محل پیدایش XVII B

۳۲- سرگروز مفرغی - این سرگروز بشکل استیلایزه سرانسان ساخته شده است .
از هر طرف که بدان نگاه شود سرانسان مشاهده میگردد .

شماره حفار ۸۰ طول ۱۷۰

وزن ۳۰۰

$\frac{۲۵۱۱۸}{۸۱۱۸}$

شماره موزه ایران باستان

محل پیدایش XVII B

۳۳- مجسمه مفرغی انسان - این مجسمه انسانی را با کلاه مخروطی با این طرز
بخصوص آرایش موشان میدهد دستها بر روی سینه قرار گرفته و هنرمند در نمایش
نشیمنگاه تشدید و اغراق نموده است .

ارتفاع ۲۱

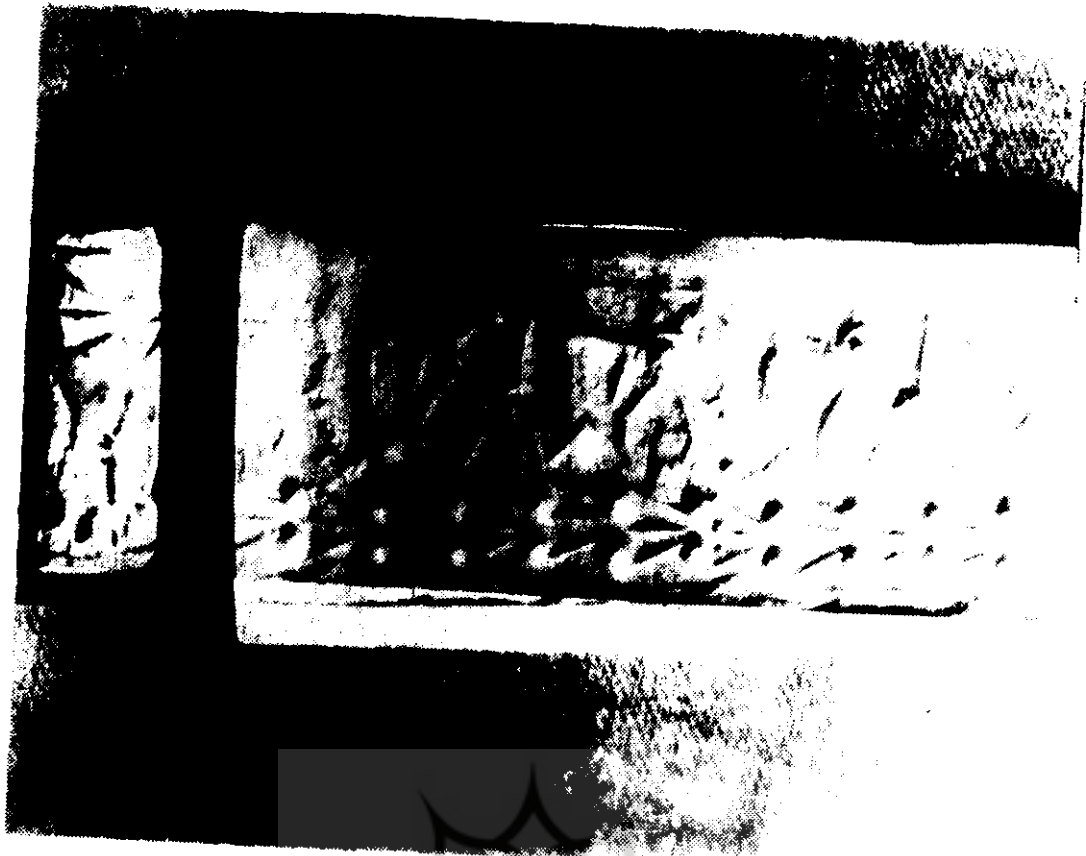
شماره حفار ۳۸۰

وزن ۱۰۳۵

$\frac{۲۵۰۶۹}{۸۰۶۹}$

شماره موزه ایران باستان

محل پیدایش XVIII C



تصویر ۵۶



تصویر ۵۷

۳۴- مجسمه پلنگ و گوزک - این مجسمه‌ها از مفرغ ساخته شده است .
پلنگ در حال حمله و گوزک در حال رم مشاهده می‌گردد . حالات هر دو حیوان را
بخوبی نمایش داده است .

گوزک		پلنگ	
طول ۷۱۵	شماره حفار ۷۸۷	طول ۱۲۲۵	شماره حفار ۷۹۷
وزن ۸۵	شماره موزه $\frac{۱۵۰۹۶}{۸۰۹۶}$	وزن ۸۶	شماره موزه $\frac{۲۵۰۱۶}{۸۰۱۶}$
محل پیدایش XXIII G		محل پیدایش XXIII G	

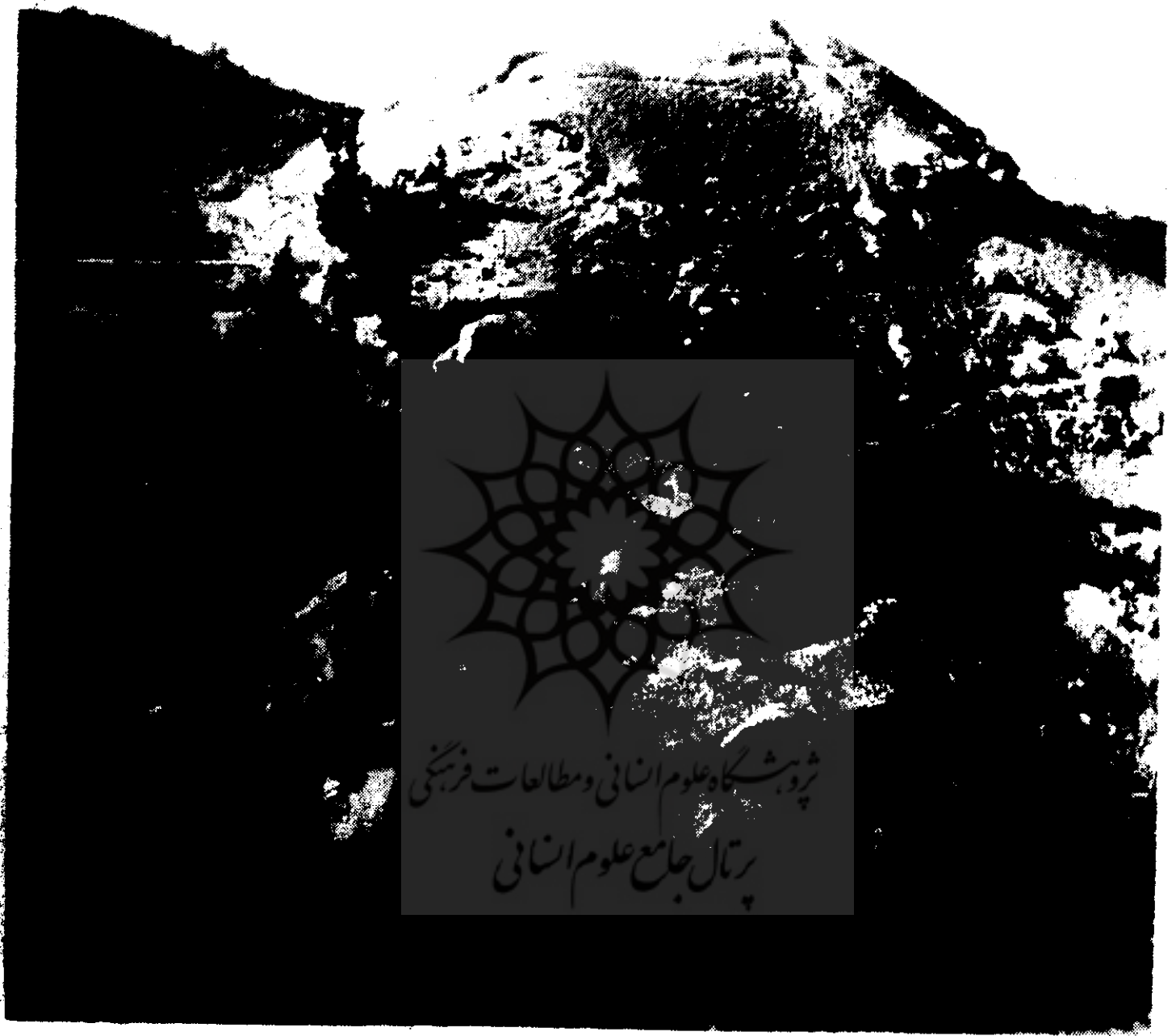
۳۵- مجسمه گراز - این مجسمه از مفرغ ساخته شده و بدن حیوان مجوف
میباشد .

طول ۷۱ سانتیمتر	شماره حفار ۸۱۲
وزن ۴۸	شماره موزه ایران باستان $\frac{۲۵۰۸۸}{۸۱۸۸}$
محل پیدایش XXIII G	

۳۶- مجسمه اسب - این مجسمه از مفرغ ساخته شده و در پشت آن حلقه‌ای
وجود دارد .

طول ۷	شماره حفار ۵۳۸
	شماره موزه ایران باستان $\frac{۲۵۰۳۶}{۸۰۳۶}$
محل پیدایش XXI L	

۳۷- گوشواره طلا - گوشواره‌ها بدقت ساخته شده و بخصوص در مارپیچ نمودن
آن نهایت ظرافت بکار رفته است .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

شماره حفار M ۳۰۶

قطر ۲۲۲

شماره موزه ایران باستان ۱۴۹۰۵
۷۹۰۵

وزن یکجفت ۸۹

محل پیدایش XXII L

۳۸- دستبند طلا - این دستبند از لوله مجوف طلا ساخته و دو طرف آن

با دوسر شیر تزیین شده است. کلیه دستبند از دوسر لوله ساخته شده که بهم متصل میگردند.

شماره حفار M ۳۵۷

قطر ۷۷۳

شماره موزه ایران باستان ۱۴۸۱۶
۷۸۱۶

وزن ۱۹۷۸

محل پیدایش XVIII C

۳۹- گردن بند گچی - این گردن بند از سنگ آهک یا سنگ گچ نرم ساخته

شده است. مهره‌ها هرچه از وسط گردن بند دورتر رفته‌اند کوچکتر شده‌اند. در وسط گردن بند یک مهره استوانه‌ای با نقش خطوط کمنده دیده میشود.

شماره حفار ۱۱۷

۳۶ مهره

شماره موزه ایران باستان ۳۵۲۴۸
۸۲۴۸

محل پیدایش XX F

۴۰- گردن بند عقیق - در این گردن بند مهره‌ها هرچه از دانه وسط دورتر رفته‌اند

کوچکتر شده‌اند، مهره‌های گردن بند با عقیق تراش داده شده ساخته شده است.

شماره حفار ۳۱۲

۲۶ مهره

شماره موزه ایران باستان ۳۵۱۶۵
۸۱۶۵

محل پیدایش XXI E



پرتال جامع علوم انسانی

تصویر ۰۹

۴۱- **گردن بند عقیق و طلا** - مهره‌های این گردن بند بشکل دوم مخروط بلند بسیار با تناسب ساخته شده است، دو طرف هر مهره با نواری از طلا حاشیه داده شده است. مهره مرکزی گردن بند در نهایت ظرافت ساخته شده و بخصوص سوراخ وسط آن نمایش مهارت هنرمند را میدهد.

شماره حفار ۳۱۸

۱۴ مهره

شماره موزه ایران باستان $\frac{۲۵۱۶۳}{۸۱۶۳}$

محل پیدایش XVII E

۴۲- **آویز گردن بند** - این آویز بشکل قفس از طلا ساخته شده است. دانه‌های کوچک طلا بهم جوش داده شده و تشکیل هر مهره‌های کوچک را داده‌اند.

شماره حفار ۱۹

وزن ۳۸۲۲ گرم

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۶۸۹}{۷۶۸۹}$

محل پیدایش XVII B

۴۳- **آویز گردن بند** - این آویز بشکل دوسر عقاب با حلقه‌ای از سفیدول مارپیچ ساخته شده است.

شماره حفار ۱

قطر حلقه ۵٫۵

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۸۴۳}{۷۸۴۳}$

محل پیدایش XVE

وزن ۱۱٫۶

۴۴- **جام نقره** - در این جام سرداری با لباس رزم دو پهنک را مهار نموده است. کلاه خود سردار و زره آن و همچنین عضلات بدن بخوبی نمایش داده شده است. لکه‌های بدن پهنک با دایره‌هایی نمایش داده شده است.



پژوهشگاه ملی تحقیقات فسیلشنی
موسسه ملی علوم زمین
تهران

تصویر ۲۰

شماره حفار ۲۰۲ ارتفاع ۱۴

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۸۳۴}{۷۸۳۴}$ وزن - ۱۱۰ ر

محل پیدایش XXII H

۴۵- جام نقره - در طرف دیگر جام سردار (شکل ۴۴) نقش درخت خشکی که بر بالای آن بزکوهی قرار دارد مشاهده میشود. شاخهای حیوان بخوبی نمایش داده شده است.

شماره حفار ۲۰۲

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۸۳۴}{۷۸۳۴}$ وزن ۱۱۰

محل پیدایش XXII H

۴۶- جام طلا - در این جام نقش برجسته بزکوهی کوهان داری در مقابل درخت زرین قرار دارد و در فاصله مابین درخت و حیوان شکل عقابی دیده میشود

شماره حفار ۱۳ ارتفاع ۹۵

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۷۰۰}{۷۷۰۰}$ قطر کف ۵ ر

محل پیدایش XV E وزن ۵۷ گرم

۴۷- نقش کف جام طلا - در کف جام طلای (شکل ۴۶) ترنج هندسی زیبایی با گلبرگهای بسیار مشاهده میشود.

شماره حفار ۱۳ قطر کف ۵ ر

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۷۰۰}{۷۷۰۰}$ وزن ۵۷

محل پیدایش XV E

۴۸- جام طلا - در این جام به سبک نقش کاملاً برجسته عقابی با بالهای



تصویر ۶۱

گشاده بر روی دوقوچ دیده میشود. سر حیوانات از متن ظرف بکلی خارج و با بدنه ظرف یک پارچه ساخته شده است.

شماره حفار ۳۰۳ وزن ۱۴۳

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۷۰۱}{۷۷۰۱}$

محل پیدایش XVIII C

۴۹- جام طلا - در این ظرف (شکل ۴۸) دوقوچ در دو طرف درخت زندگی مشاهده میشوند. سر حیوانات از بدنه ظرف بیرون آمده است.

شماره حفار ۳۰۳ وزن ۱۴۳

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۷۰۱}{۷۷۰۱}$

محل پیدایش XVIII C

۵۰- جام طلا - در این جام هنرمند چهار عقاب را بسبک نقش برجسته در چهار طرف جام نمایش داده است. سر پرندگان از متن ظرف خارج شده است.

شماره حفار ۵۱۵ وزن ۸۵ گرم

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۷۰۲}{۷۷۰۲}$

محل پیدایش XV D

۵۱- مجسمه طلا - این مجسمه سلطانی را بالباس رسمی وتاج نمایش میدهد. دستها در حالت رسمی بر روی سینه قرار گرفته و دگمه‌های بزرگی بر روی لباس قرار دارد.

شماره حفار ۳۰۶ ارتفاع ۱۱۷

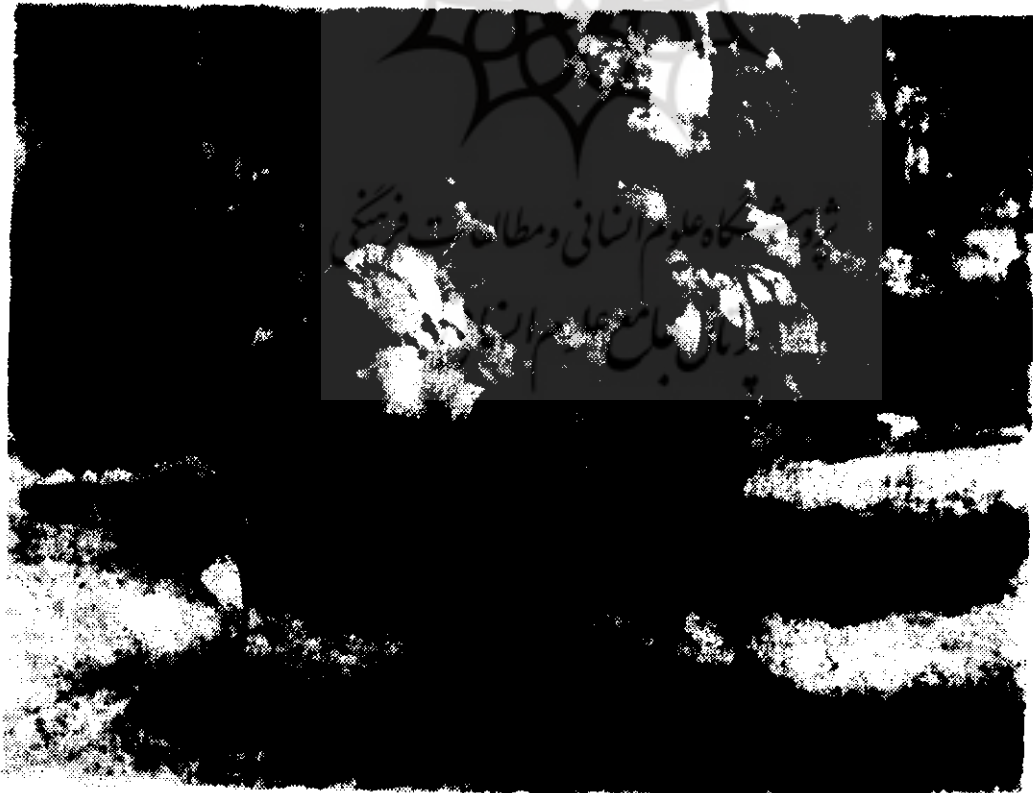
شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۶۹۲}{۷۶۹۲}$ وزن ۴۳۰

محل پیدایش XVIII C

۵۲- جام طلا - در این جام هنرمند در دو ردیف اسب شاخداری را در حال حرکت نمایش میدهد حاشیه‌های جام بانوارهندسی تزیین شده است. در قسمت‌های



تصویر ۶۲



تصویر ۶۳

خالی بتن نقش گل زیبایی مشاهده میشود.

ارتفاع ۱۷۵

شماره حفار ۲۰۱

وزن ۲۲۶

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۶۹۸}{۷۶۹۸}$

محل پیدایش XXII H

۵۳- کف جام طلا - در کف جام طلا (شکل ۵۲) نقش هندسی زیبایی با

نقش فرورفته نمایش داده شده است.

وزن ۲۲۶

شماره حفار ۲۰۱

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۶۹۸}{۷۶۹۸}$

محل پیدایش XXII H

۵۴- جام مارلیک - در این جام طلا که لبه و پائین جام با نوار نقش هندسی

زنجیری تزئین شده است نقش اصلی عبارت از دو گاو بالدار که بطرز قرینه در حال

بالارفتن از درخت زندگانی میباشند. نقش به سبک برجسته ساخته شده ولی سر

حیوان کاملاً از متن جام خارج شده و با ظرف یک پارچه ساخته شده است.

شماره حفار M ۲۹ ارتفاع ۱۸ سانتیمتر

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۷۰۸}{۷۷۰۸}$ وزن ۳۱۶ گرم

محل پیدایش XVII B

۵۵- کف جام مارلیک - در کف جام طلای مارلیک نقش ترنج هندسی که

عبارت از خورشید در وسط و درخت زندگی در اطراف آن است دیده میشود.

ارتفاع ۱۸ سانتیمتر

شماره حفار M ۲۹

وزن ۳۱۶ گرم

شماره موزه ایران باستان $\frac{۱۴۷۰۸}{۷۷۰۸}$

محل پیدایش XVII B

۵۶- مهر استوانه‌ای - این مهر از بدل چینی ساخته شده است نقش بزکوهی در سهرنمایش داده شده است. یک ردیف حاشیه تزیینی در یک طرف نقش وجود دارد.

شماره حفار ۱۰۹۴
طول ۲٫۹ سانتیمتر
شماره موزه ایران باستان ۲۳۸۹
قطر- ۱٫۱ سانتیمتر
سجل پیدایش XXF

۵۷- مهر استوانه‌ای - این مهر از بدل ساخته شده است. ردیف سربازان در حال رژه نمایش داده شده است.

شماره حفار ۱۰۹۱
طول ۳٫۱ سانتیمتر
شماره موزه ایران باستان ۲۳۸۰
قطر ۱٫۴ «

۵۸- پيله قلعه - دامنه شرقی پيله قلعه که تپه ایست مرتفع با شیب زیاد.

۵۹- نقشه پيله قلعه - نقشه پيله قلعه نمایش داده شده است. فاصله مابین منحنی ها یک متر میباشد.

۶۰- عکس ترانسه پيله قلعه

۶۱- عکس آرامگاه علی کرم باغ

۶۲- جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی و آقای علینقی وزیری استاد دانشگاه در هنگام بازدید از حفاریات مارلیک.

۶۳- جناب آقای دکتر علی اکبر سیاسی و آقای علینقی وزیری استاد دانشگاه با اتفاق دکتر نگهبان رئیس هیئت حفاری مارلیک عازم محل حفاری هستند.